

پیام به مردم پیاخاسته:
تظاهرات توده ای را با اعتصابات کوبنده تر کنیم!
(متن کتبی پیام ویدئویی حمید تقوایی)، صفحه ۲



پیش بسوی اعتصابات سراسری
شهلا دانشفر، صفحه ۳

حیات ننگین جمهوری اسلامی به تار موی زنان بند است!
صفحه ۳

فراخوان به دانشجویان: وقت اعتصاب سراسری و تظاهرات سراسری است
صفحه ۶

انقلاب؛ از جنگ و گریز خیابانی تا اعتصاب
یاشار سهندی، ۵

تظاهرات و اعتراضات در شهرها و مناطق بسیاری ادامه دارد
صفحه ۸

ادامه خیزش مردمی و چند تاکید فوری
صفحه ۴

کارگران، همه مردم خوزستان! جوانان! مردان! زنان
کمیته سازمانده، واحد خوزستان، صفحه ۱۱

از مدیای اجتماعی:
صفحات ۱۴۰۱۷

کمپین برای آزادی کارگران زندانی: مردم ایران میخواهند از سرکوب و جنایت خلاص شوند
صفحه ۱۶

بیانیه در حمایت از اعتراضات مردمی و علیه سرکوبگریهای حکومت
صفحه ۱۷

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۴۶

۴ مهر ۱۴۰۱

۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲



چهارشنبه ها منتشر میشود

**پیام حمید تقوایی بمناسبت
آغاز اعتصابات از دانشگاهها**
صفحه ۵

معلمان وارد اعتصاب میشوند!
صفحه ۷

**برای آزادی بازداشت شدگان
مقابل زندانها تجمع کنیم**
صفحه ۴

**اعتراضات مردمی در بیش از
صد شهر، صفحه ۹**

**قتل مهسا امینی و روزشماری
از اعتراضات مردمی**
صفحه ۱۰

**دامنه اعتراضات مردمی
گسترش می یابد، صفحه ۱۰**

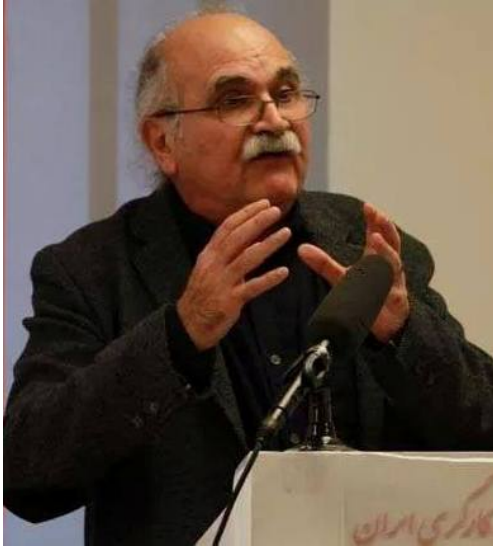
**بازداشت شدگان اخیر باید
بدون قید و شرط آزاد شوند**
صفحه ۱۳

**یک گزارش میدانی از
کارگری بازنشسته**
صفحه ۱۸

پیام به مردم بپاخته:

تظاهرات توده ای را با اعتصابات کوبنده تر کنیم!

(متن کتبی پیام ویدیویی حمید تقوایی)



با درود به همه شما مردم آزاده و بپاخته در سراسر کشور! نبرد نهائی ما با جمهوری اسلامی آغاز شده است. نبردی که این بار می‌تواند تا پیروزی نهائی، تا بزیر کشیدن این حکومت آدم‌خوار و جنایتکار به پیش برود و بفرجام برسد.

یک رکن این نبرد تظاهرات، راهپیمائیه‌ها و خیزشهای شهری است. مبارزه ای که فی الحال در جریان است. ما مردم، شهر بعد از شهر بمیدان آمده ایم و با فریاد جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم، با فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای، مرگ بر دیکتاتور، حکم خودمان را علیه کلیت حکومت اعلام کرده ایم. و می‌رویم که این هدف را متحقق کنیم. باید این حرکت، باید تظاهراتهای شهری، هرچه گسترده تر بشود، توده های وسیع تری از ما مردم باید به خیابانها بیاییم، باید در محلات، در متروها، در میدانی شهرها، تجمعات را گسترش بدهیم و به این ترتیب نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی را پراکنده کنیم، از هر طرف محاصره کنیم، و آنها را به عقب برانیم. باید توان سرکوب را از حکومت بگیریم.

سمن ها و ان جی او های متعددی داریم. صدها و هزاران از این نوع تشکلهای ایجاد شده است. امروز وقت آنست که این سرمایه را بکار بگیریم. اینها می‌توانند و باید به نحو موثری بمیدان بیایند. با اتکا به چهره ها و فعالین در تمام این جنبشها، با اتکا به نهادها و کمیته ها و تشکلهای در همه این جنبشها، می‌توانیم بخصوص به اعتصابات سراسری، به اعتصاب عمومی شکل بدهیم و به این ترتیب به پشتیبانی تظاهراتها و شورشهای شهری بلند شویم و اجازه ندهیم حکومت براحتی بتواند ما را سرکوب کند.

اعتصاب اسلحه ای است، ابزاری است که می‌تواند حکومت را فلج کند. با اعتصابات می‌توانیم جامعه را بخواهیم. بخصوص با اعتصابات در رشته هائی که از نظر اقتصادی تعیین کننده اند مثل صنعت نفت و پتروشیمی، و با اعتصاب در رشته هائی که از نظر اجتماعی حکومت را فلج میکنند مثل رانندگان کامیون، مثل کارگران راه آهن، مثل کارگران شهرداری، مثل رانندگان اتوبوس و مترو. با اعتصاب در این بخشها ما می‌توانیم جمهوری اسلامی را فلج کنیم و ضربه نهائی را به آن وارد کنیم.

جنبه دیگر اینست که باید چهره ها، سلبرتی ها، شخصیتهای هنری و ادبی و ورزشی، که بخشی از آنها فی الحال بمیدان آمده و فعال شده اند، بتوانند هر چه بیشتر اعتراض کنند. می‌توانیم به نیروی متشکل همه، نیروی اعتراض همه این بخشها، جمهوری اسلامی را به زانو در بیاوریم.

شرط اینکه این حرکت اتفاق بیفتد اینست که مطالبه معینی را روی میز بگذاریم. روشن است، همه ما خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستیم، و این را داریم در تظاهراتهایمان فریاد می‌زنیم. این جنگ جنگی است بر سر بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و نه هیچ چیز دیگری. ولی برای اینکه در همین جنگ بتوانیم همه جامعه را فعال کنیم، برای اینکه بخشهای بیشتری از جمعیت بتواند

بمیدان بیاید و تاثیرگذار باشد، می بایست خواستهای معینی را روی میز بگذاریم. و این خواستهای معین در این شرایط لغو حجاب اجباری و انحلال گشت ارشاد و جمع کردن همه نیروهای سرکوبگر از خیابانها است. اینها خواست و مطالبه ای است که همه ما را به هم پیوند میدهد، هماهنگ و همبسته میکند. در واقع مهسا با از دست دادن جان خودش به نماد این حرکت تبدیل شد. حرکتی علیه حجاب اجباری و در واقع برای رهائی زن، علیه ستم و ظلم فاحشی که بوسیله آدمکشان حاکم بر پنجاه درصد جامعه تحمیل شده است. امروز در مقابل جنایت علیه زنان باید بمیدان آمد. جمهوری اسلامی یک حکومت جنایتکار است که تمام جامعه را به شلاق کشیده و حجاب ستمی و نماد و یک ابزار سرکوب همه جامعه است.

به همین خاطرست که امروز زنان در تظاهراتهایشان حجابها را بر میدارند، به آتش میکشند و یا مثل پرچم پیروزی دور سر در هوا می چرخانند. این حرکت می‌تواند هر چه بیشتر گسترش پیدا کند. ترجمه و بازتاب این حرکت خیابانی در حرکت متشکل نهادها و تشکلهای و چهره های معترض معرفه و شناخته شده در جامعه، اینست که یک صدا خواست لغو حجاب اجباری و خواست انحلال گشت ارشاد را فریاد بزنند و مطالبه کنند. ما میدانیم که معنی واقعی تحقق حتی این خواستها هم سرنگونی جمهوری اسلامی است. ولی روشن است که با شعار "سرنگون باد" نمیشود اعتصاب کرد و یا تجمعات و میتینگهای اعتراضی برپا کرد،

ولی با خواست لغو حجاب اجباری و با خواست انحلال نیروهای سرکوب و بخصوص انحلال گشت ارشاد میشود و باید به اعتصابات سراسری و عمومی شکل داد.

به این ترتیب ما می‌توانیم حکومت را از هر طرف محاصره کنیم و اجازه ندهیم که حکومت بار دیگر با سرکوب و با شلیک به تظاهرات خیابانی حرکت ما را متوقف کند.

کل جامعه باید بسیج بشود و کل جامعه حول این خواستهای مشخص می‌تواند به حرکت دربیاید.

ما در کنار تظاهراتهایمان با شعار جمهوری اسلامی نابود باید گردد، باید مطالبه لغو حجاب اجباری و انحلال نیروها سرکوبگر را هم مطرح کنیم. حول این مطالبات دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، جنبش رهائی زن، جنبش دادخواهی، جنبش کارگری می‌تواند بمیدان بیاید و اعتصابات سراسری را سازمان بدهد و به پیش ببرد.

این حلقه اصلی را امروز باید بدست گرفت. به این ترتیب باید انقلاب را معماری کرد و به پیروزی رساند. ما می‌توانیم و باید این بار پیروز شویم و پیروز خواهیم شد!

حمید تقوایی

۳۱ شهریور ۱۴۱۰، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲



نه روسری، نه توسری، آزادی، برابری

حیات ننگین جمهوری اسلامی به تار موی زنان بند است!

بشود. جمهوری اسلامی با حجاب آمده است، بی حجاب می‌رود! همه دختران دانشجو و دانش آموز، معلمان، کارگران و کارمندان زن میتوانند اعلام کنند که حجابها را در همه دانشگاهها و مدارس و کارخانه ها و ادارات و محل کار از سر بر خواهند داشت و هر نوع ممانعتی از این امر را با اعتصاب پاسخ خواهند داد. مکان: نه تنها تمام مدارس متوسطه کشور بلکه تمام دانشگاهها و ادارات و کارخانه ها و موسسات و اماکن عمومی کشور! زمان: نه تنها یک هفته بلکه تا زمانی که حجاب اجباری در تمام کشور ملغی بشود!

شعارها:

- نه روسری نه توسری آزادی و برابری
- زن زندگی آزادی
- همه بازداشتی های اخیر و همه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند
شورشهای خیابانی را باید با چنین حرکات اعتراضی متعین و مشخصی که میتواند همه بخشهای جامعه را دخیل و فعال کند قویتر و کوبنده تر کنیم. خیزشهای شهری با شعار نابود باد جمهوری اسلامی، و اعتراض و اعتصاب بخشهای مختلف جامعه حول خواستها و شعارهایی که معنای عملی اش سرنگونی جمهوری اسلامی است، دو رکن مهم خیزش انقلابی جاری و ضامن پیشروی و پیروزی نهائی آن است.

زنده باد دانش آموزان پیشرو!

زنده باد اعتصابات سراسری!

هر چه گسترده تر و کوبنده تر باد تظاهراتها و اعتراضات خیابانی!

حمید تقوایی - ۲ مهرماه ۱۴۰۱

امروز دوم مهرماه کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران بیانیه زیر را منتشر کرده است:

بیانیه سراسری دانش آموزان پیشرو

مقنعه اجباری از سر بر میداریم
ما دانش آموزان _ دختر _ مقطع متوسط در اعتراض به حجاب اجباری و بازداشت غیر قانونی دانش آموزان در اعتراضات مدنی چند روز اخیر، از روز دوشنبه ۴ مهرماه، جهت اعتراض مقنعه خود را از سر برداشته و همه باهم شعار خواهیم داد:

نه روسری نه توسری / آزادی و برابری زن، زندگی، آزادی
دانش آموز زندانی آزاد باید گرد
دانش آموزان پسر می توانند با سر دادن همین شعارها ما را حمایت کنند
زمان: دوشنبه چهارم مهر تا پایان هفته
مکان: تمام مدارس متوسطه کشور
همراه شو عزیز
کاین درد مشترک هرگز جدا جدا درمان نمیشود.

زنده باد دختران دانش آموزان!

زنان در خیابانها حجابها را بر میدارند و به آتش میکشند، در مدارس و ادارات و کارخانه ها و همه موسسات و اماکن عمومی نیز باید حجابها به زباله دان انداخته شود. دانش آموزان پیشرو الگوی حرکتی هستند که میتواند سراسری شود. میتواند به برداشتن حجابها در کل جامعه و اعتصابات سراسری در اعتراض به حجاب و برای آزادی همه بازداشت شدگان و همه زندانیان سیاسی منجر

پیش بسوی اعتصابات سراسری معلمان وارد اعتصاب میشوند و دانشجویان استارت اعتصاب را زده اند

دانشجویان و مردم حق طلب قرار گیرند تا آسیب کمتری به جامعه برسد. شورای هماهنگی همچنین اولتیماتوم میدهد که اگر سرکوبگریها ادامه یابد برنامه های بعدی خود را در اعتراض به شرایط کنونی و در همراهی با دانش آموزان و دانشجویان و مردم عزیز ایران اعلام خواهد کرد.

از سوی دیگر دانشجویان استارت اعتصاب خود را زده اند. از جمله دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به سرکوبها، دستگیری گسترده معترضان و ربوده شدن دانشجویان اعلام اعتصاب کرده و خواستار همراهی استادان با اعتراضات مردمی شده اند. این دانشجویان تمامی دانشگاهها را به اعتصاب فرا خوانده اند. دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به سرکوبها و دستگیریهای گسترده فراخوان به اعتصاب داده است و دانشجویان پیشرو اصفهان و جمع هایی از دانشجویان دانشگاه های خواجه نصیر، هنر، هنر سوره، خوارزمی، دانشگاه تهران و علامه طباطبایی، بوعلی سینا، چمران اهواز، از این فراخوان حمایت کرده و آموزش آنلاینی را تحریم کرده اند. بدین ترتیب اعتصاب دانشجویان دارد سراسری میشود.

این دانشجویان در بیانیه شان اعلام کرده اند که در اعتراض به بازداشت دانشجویان، محاصره دانشگاه به وسیله نیروهای امنیتی و جایگزینی ناگهانی و «توهین آمیز» آموزش مجازی به جای آموزش حضوری تا اطلاع بعدی از حضور در کلاسهای درس خودداری می کنند. آنها از استادان خود و دیگر دانشجویان نیز خواسته اند که تا برچیده شدن فضای امنیتی از دانشگاهها از حضور در کلاسهای درس خودداری کنند. دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نیز در فراخوانی اسامی دانشجویان بازداشت شده را اعلام کرده و بر ادامه تجمعات خود تاکید نموده اند. آنها در این فراخوان اعلام کردند: «در این وضعیت که وحوش

صفحه ۴



شهلا دانشفر

تظاهرات و اعتراضات مردمی در شهرهای بسیاری ادامه دارد و هر روز بر شمار شهرها افزوده میشود. مردم در گیر نبردی جانانه با سرکوبگران حکومت هستند و با شعار جمهوری اسلامی نمیخوایم، نمیخوایم عزم خود را برای جمع کردن بساط جهمی این حکومت به نمایش میگذارند. یک حلقه کلیدی در این شرایط برپایی اعتصاب عمومی و سراسری است. اعتصابات سراسری باعث پیوستن نیروی وسیعتری به اعتراضات خیابانی است. اعتصابات سراسری کمر رژیم را به لحاظ اقتصادی میشکند و بخشهای هرچه وسیعتری از مردم را در مبارزه علیه حکومت دخیل میکند. اعتصابات سراسری تقویت کننده و تداوم بخش اعتراضات خیابانی است. به این اعتبار اعتصابات سراسری اقدامی ضروری و حیاتی در مقطع کنونی از جنبش سرنگونی است. معلمان اکنون پیشتاز این حرکت شده و شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای برای هفته اول مهر ماه در همبستگی با اعتراضات مردمی و در اعتراض به سرکوبگریهای حکومت و بازداشتها و پادگانی شدن فضاهای آموزشی برای روزهای دوشنبه ۴ مهر و چهارشنبه ۶ مهر اعلام اعتصاب کرده است. شورای هماهنگی در این بیانیه از تمامی معلمان شاغل و بازنشسته، پیشکسوتان و بازنشستگان کشوری و لشکری و تامین اجتماعی، تشکلهای کارگری، ورزشکاران و هنرمندان و همه افراد ذی نفوذ در جامعه خواسته است که در کنار دانش آموزان و

حمایتها و همبستگی های جهانی با خیزش مردمی در ایران

خیزش مردمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جهان مورد توجه و حمایت بسیار است. حکومت اسلامی یک حکومت بسیار منفور در سطح جهان است و همه مردم جهان با مردم ایران در مبارزه علیه این حکومت همراهی و پشتیبانی میکنند. مواردی از حمایتهای وسیع جهانی از خیزش مردمی در ایران را اینجا مرور میکنیم:

هشتگ مهسا امینی طی ۹ روز رکورد تویتر را شکست و از مرز 100 میلیون عبور کرد. مردم در همه جای جهان به قتل مهسا امینی عکس العمل نشان میدهند و به شیوه های مختلف خشم و انزجار خود را ابراز میکنند. در رسانه های بین المللی اخبار اعتراضات مردمی در ایران در صدر قرار گرفته است. از جمله روزنامه گاردین در انگلیس اخبار اعتراضات مردمی را انعکاس داده است.

طی هفته اخیر در کشورهای متعددی شهر به شهر ایرانیان ساکن خارج کشور تجمعات بزرگی بر پا داشتند و علیه حکومت اسلامی شعار دادند. تظاهرات در آمریکای، اروپا و استرالیا و برخی کشورهای خاورمیانه جریان یافت. تجمعات اکثرا هزاران نفره بود و مورد حمایت و توجه مردم این کشورها قرار گرفت. در ترکیه گروهی از زنان و مردان ایرانی ساکن این کشور مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول تجمع کردند و شماری از آنها در همبستگی با اعتراضات مردمی در ایران روسری های خود را به آتش کشیدند.

در بیروت جمعی از زنان در همبستگی با اعتراضات سراسری مردم در ایران و در اعتراض به مرگ ژینا امینی در مرکز شهر بیروت تجمع کردند. روی پلاکاردهای تجمع کنندگان شعارهای زیر به زبان عربی نوشته شده بود: "زیبایی ژینا بر زشتی مردسالاری پیروز شده است"، "زن زندگی است، زندگی را نکش" و "ژینا امینی، تو یک انقلاب شدی". جمعی از مردم سلیمانیه کردستان عراق در سوم مهر در حمایت از اعتراضات مردم ایران تجمع کردند. جمعی از مردم در شیلی در حمایت از مبارزات مردم ایران با

غیرخشونت انگیز غیرقابل توجه و غیرقابل قبول است."

- اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا طی بیانیه ای قتل مهسا امینی را محکوم کرده و همبستگی خود را با مبارزات مردم ایران اعلام داشت و خواستار پایان دادن به هرگونه سرکوب زنان در ایران شد.

- روزنامه لیبراسیون، چاپ فرانسه، در صفحه اول شماره روز دوشنبه ۲۶ سپتامبر با تیتراژ "زن زندگی آزادی" به اعتراضات مردمی در ایران پرداخته و مینویسد: "قیام مردم ایران علیه حجاب به قیام علیه رژیم تبدیل شد."

- فابین روسل، رهبر حزب کمونیست فرانسه در گفتگو با رادیو بین المللی فرانسه ضمن محکوم کردن قتل مهسا امینی همگان را به شرکت در یک راهپیمایی همبستگی با مبارزات زنان ایران علیه استبداد مذهبی در ایران فراخواند.

- عفو بین الملل اعلام داشت که سرکوب مرگبار اعتراضات به قتل #مهسا امینی نیازمند اقدام فوری جهانی است. این نهاد حقوق بشری اعلام داشت که نیروهای امنیتی ایران عمداً و غیرقانونی گلوله های جنگی به سمت معترضان شلیک می کنند و نسبت به قطع اینترنت در ایران هشدار داد. عفو بین الملل از همه معترضان، شاهدان عینی، خانواده های جانباختگان و همه کسانی که اطلاعاتی درباره جنایات رژیم دارند خواستار ارسال مشاهدات و اسناد تصویریشان شد.



- سازمان ملل در رابطه با اعتراضات

مردمی در ایران و سرکوبگری های حکومت ابراز نگرانی کرده و مینویسد: پلیس در تجمع های اعتراضی ایران از گلوله واقعی استفاده می کند. ندی الناشف، سرپرست کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل گفت: «مرگ دلخراش مهسا امینی و اتهامات مربوط به شکنجه و بد رفتاری باید به سرعت، بی طرفانه و به طور موثر از سوی مراجع ذیصلاح مستقل مورد بررسی قرار گیرد.»

- آیکن هویتفلد؛ وزیر خارجه نروژ با صدور بیانیه ای به تاریخ ۲۹ شهریور در پاسخ به فراخوان کمیساریای حقوق بشر سازمان ملل خواهان تحقیق بین المللی درباره مرگ مهسا امینی شد.

اینها همه گوشه ای از ابعاد وسیع حمایت های جهانی از اعتراضات و همبستگی با اعتراضات مردمی در ایران است. حزب کمونیست کارگری بر بایکوت جهانی جمهوری اسلامی و اخراج آن از تمامی نهادهای بین المللی تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۱، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲

پیش بسوی اعتصابات سراسری...

بودند. بویژه معلمان که تجربه اعتصابات و تجمعات سراسری را دارند، آماده ترین نیرو برای برپایی اعتصابی سراسری هستند. ضمن اینکه امروز نیز بیانیه های اعتراضی همه این بخشها در حمایت از اعتراضات مردمی و علیه سرکوبگری های حکومت نشان از زمینه مناسب برای اعتصابات سراسری است. فراخوان من به همه این بخش ها برپایی اعتصابات عمومی سراسری و تقویت اجتماعات وسیع خیابانی است. زنده باد اعتصاب، زنده باد انقلاب مردم

نظام می خواهند با دستگیری و ارباب صدایمان را خفه کنند، ما با مقاومت و ایستادگی آن ها را به عقب می رانیم." بدین ترتیب اعتصابات سراسری دارد شکل میگیرد و زمینه برای همه گیر شدن آن در میان بخش های مختلف کارگری بسیار فراهم است. هم توازن قوا این را ممکن میکند. هم بخش های مختلف کارگری، از جمله کارگران نفت، معلمان، بازنشستگان پیگیر مطالباتشان هستند و قبل از این اعتراضات با اولتیماتوم هایشان بر پیگیری خواسته هایشان تاکید کرده



اجتماعی هستند. و این مهم تنها از جنبش طبقه کارگر برمی آید.

در عین حال برخی از اعتصابها هستند که نقش بسیار مهمی دارند. در ایران بخصوص اعتصاب کارگران شرکت نفت و پتروشیمی هاست که بواسطه نقش حیاتی این دو صنعت در اقتصاد جمهوری اسلامی (و کل بورژوازی) میتواند شیشه عمر جمهوری اسلامی را بر زمین بزند؛ و در عین حال مظهر طبقه کارگر را بر تحولات جاری بکوبد. و بدین واسطه در فدای جمهوری اسلامی جنبش کارگری نقش بسیار مهمی در تحولات آینده خواهد داشت.

خواهانه جنبش طبقه کارگر یعنی سوسیالیسم باشد، مانند اعتصاب برای لغو حجاب، که ضربه ای نابود کننده بر حکومت اسلامی سرمایه است، گوشه ای دیگر از کشمکش طبقاتی است.

بر خلاف آنچه چپ هپروتی باور کرده است کشمکش طبقاتی تنها بر سر خواسته های صنفی، در چهارچوب کارخانه نیست. هر امر اجتماعی که به مثابه زنجیری علیه کارگران بکار میرود، مبارزه علیه آن حکایت از کشمکش طبقاتی دارد. همانگونه که توسل بورژوازی به جنبش سیاه اسلامی، نهایتا ابزاری بوده که علیه یک انقلاب بکار برد تا شرایط برده وار را بر جامعه تحمیل کند. از سوی دیگر مبارزه علیه ستون این جنبش یعنی حجاب، مانع بزرگی را سر راه طبقه کارگر کنار میزند. بورژوازی سخت در اشتباه خواهد بود اگر فکر کند آزادی زن تنها به لغو حجاب خلاصه میشود. در بطن مبارزه علیه حجاب، مبارزه علیه مذهب هم شکل گرفته، در بطن این مبارزه برابری کامل زن و مرد به وسیعترین شکل ممکن آن در جامعه مطرح شده است. زنان با لغو حجاب به خانه بر نمی گردند. آنها خواهان رفع کامل آپارتاید جنسی در همه زمینهای

انقلاب؛ از جنگ و گریز خیابانی تا اعتصاب

یاشار سهندی

بار دیگر انقلاب در میزند. بیش از یک هفته است جامعه کاملاً دگرگون شده. جنگ و گریز خیابانی شبانه با نیروهای سرکوبگر حکومت جزی از زندگی مردم شده. یک عده خانوادگی خودشان را با ماشین می‌رسانند. یک عده با موتور، و دیگران پیاده. محلات برای ساعاتی کاملاً در کنترل مردم است. شعار میدهند. زنان روسری بر میدارند. با نیروهای سرکوبگر درگیر میشوند. جهان به تماشای مردمی نشسته است که چنین شجاعانه بر سر خواسته های کاملاً انسانی، دسته به مبارزه زده اند و بدین سبب تحسین همگان را برانگیخته است.

همه چیز تغییر یافته. همه اذعان میکنند این انقلاب است، موش کور انقلاب. وقایع رخ داده ثابت کرده که انقلاب امر همگانی است. اما در بطن چنین شرایطی کشمکش طبقاتی نیز در جریان است. بورژوازی که تا همین یک هفته پیش بهر شکلی بود سعی داشت زیر بغل این حکومت هار و وحشی را بگیرد در بدر به دنبال نیرویی است که شاید بار دیگر سدی بر انقلاب باشد. فعلاً چاره ای ندارد، دندان روی جگر بگذارد و شعار زن آزادی زندگی را تحمل کند، ترجیحاً مایل است مهسا امینی به عنوان نماد، "دختر ایران" شناخته شود. مهسا امینی اما، به نماد انقلاب زنانه تبدیل شده. انقلابی که در پی آزادی و برابری برای کل جامعه است، که این مهم بخصوص در برابری کامل زن و مرد در شرایط امروز ایران خود را بیان میدهد.

مفسران پر چانه بورژوازی، این روزها بسیار فک میزنند. اذعان میکنند که انقلاب شکل گرفته اما شش دانگ حواس شان است که آنرا به عنوان یک "قیام ملی" جا بزنند. یکی میگوید: "ما شاهد یکی شدن طبقه متوسط با طبقه کارگر... (یادش می آید، این یادآوری بد آموزی دارد! حرفش را قورت میدهد). طبقه کارگر که نه!... نیازمندان، (خودش از بیان چنین صفتی خجالت میکشد؛ اصلاح میکنند) تهیدستان... (تازه واژه گمشده را

پیدا میکنند، آهان) فرودستان، آری فرودستان (این بهتر است چون بهرحال آقای گفتن و نوکری گفتن!) هستیم".

و از سوی دیگر بهانه جویان چپ می فرمایند: انقلاب زنانه نداریم. مسئله بر سر حجاب هم کافی است! از امروز اگر شعار آزادی برابری حکومت کارگری داده نشود این انقلاب، انقلاب نیست!

موش کور انقلاب (مارکس شناس آورد، مارکس است و گر نه دمارش را در می آورند، یعنی چی موش کور انقلاب نقب میزند!) کار خودش را کرده. پایه های نظام اسلامی ترکهای عظیمی برداشته. جنگ و گریز خیابانی تنها یک گوشه کار است. اعتصاب اما آن نیروی مهیبی است که روند یک انقلاب را سرعت میدهد.

از دید بهانه جویان هر اعتصابی هم، اعتصاب نیست. اگر اعتصاب، اعتراض نباشد بدرد هیچ کوفتی نمی خورد! اعتصاب که در نفس خودش یعنی اعتراض، یکباره میشود یک حرکت بی خاصیت، بخصوص اگر اعتصاب همگانی باشد! اعتصاب فقط کارگری! یعنی اگر همین فردا معلمان و دانشجویان یا کارکنان مخابرات اعتصاب کنند، (فی الحال دانش آموزان و معلمان و دانشجویان در تدارک اعتصاب هستند) اگر این اعتصابات از این دست باعث شدت یافتن روند مبارزات جاری شود، کافی نیست باید حتما اعتصاب، اعتصاب کسانی باشد که دستشان پینه بسته است.

اما روند انقلاب، به بهانه جویان که چون نمی توانند برقصند و زمین را همیشه کج می یابند کاری ندارد، بلکه در پروسه واقعی خودش، نیاز خود را به اعتصاب بیان میکنند. اعتصاب است که به یک انقلاب قوام و نیرو می بخشد. اعتصاب نه تنها کمر رژیم اسلامی را خواهد شکست همانگونه که رژیم سلطنت را زمینگیر کرد، بلکه در اعتصاب است که توده کارکن جامعه بیش از هر موقعیتی به قدرت واقعی اجتماعی خود پی میرد. و در عین حال هر اعتصابی که بیانگر گوشه ای از خواسته های برابری طلبانه و آزادی

پیام حمید تقوایی بمناسبت آغاز اعتصابات از دانشگاهها

و حکومت را به زانو در می آوریم. حکومت تعدادی از دانشگاهها را تعطیل اعلام کرده است. دانشجویان این دانشگاهها نیز میتوانند در صحن دانشگاه و در جلوی دانشگاهها دست به تجمع بزنند و حول خواست پایان دادن به امنیتی شدن دانشگاهها، علیه فضای امنیتی در دانشگاهها و در کل جامعه، و با خواست جمع کردن نیروهای سرکوبگر از دانشگاهها و از همه خیابانها اعتصاب کنند. زنده باید اعتصابات سراسری وعمومی! زنده باد دانشجویان و همه مردم پیاخته! سرنگون باد حکومت جنایتکار جمهوری اسلامی!

حمید تقوایی - ۲ مهرماه ۱۴۰۱

امروز شنبه دوم مهرماه دانشجویان دانشگاه تهران اعلام کردند در اعتراض به بازداشت دانشجویان، در اعتراض به فضای امنیتی دانشگاهها و علیه مجازی شدن کلاسها از حضور در کلاسهای درس خودداری خواهند کرد.

به این دانشجویان مبارز درود میفرستم و دستشان را به گرمی میفشارم. امیدوارم دانشجویان دیگر دانشگاهها نیز به این حرکت پیوندند. این میتواند سرآغاز اعتصاب سراسری همه دانشجویان و فراتر از آن اعتصابات معلمان و کارگران و همه بخشهای جامعه باشد. با اعتصاب عمومی، هم تظاهرات گسترده ما در همه شهرها بمراتب قویتر و کارساز تر خواهد شد، و هم ماشین سرکوب دولتی را فلج میکنیم



حزب کمونیست کارگری دانشجویان در سراسر کشور را به تعطیل کلاسها و اعتصاب سراسری و تجمعات و تظاهرات سراسری فرامیخواند. صدای آزادیخواهی دانشجویان باید قدرتمندتر و رساتر از قبل در سراسر جامعه شنیده شود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۲ مهر ۱۴۰۱، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲

همین امروز در پاسخ به اقدام رژیم تعدادی از دانشجویان دانشگاه تهران اعلام کردند که در اعتراض به بازداشت دانشجویان، محاصره دانشگاه به وسیله نیروهای امنیتی و جایگزینی ناگهانی آموزش مجازی به جای آموزش حضوری، تا اطلاع بعدی از حضور در کلاسهای درس خودداری می‌کنند. در این بیانیه استادان و دانشجویان دیگر را نیز به اعتصاب فراخوانده اند.

فراخوان به دانشجویان

وقت اعتصاب سراسری و تظاهرات سراسری است

جامعه شما را صدا میزند. دانشجویان یک رکن مهم اعتراض و بخش پیشرو و متشکلی در جامعه هستند و نقش فعالی در اعتراضات و تجمعات اعتراضی جاری دارند. اکنون با شروع سال تحصیلی قدم بسیار مهم و تعیین کننده ای میتوانند بردارند و آن دست زدن به اعتصاب سراسری و تجمعات سراسری است. اعتصاب سراسری دانشجویان و تبدیل دانشگاهها به محل تجمع و تظاهرات مشوق سایر بخش های جامعه برای وارد شدن به اعتصاب خواهد بود و شعله های این خیزش را برافروخته تر خواهد کرد. اعتصاب سراسری دانشجویان بلافاصله به خیزش خیابانی روحیه تازه ای میدهد، سرکوبگران را وحشت زده و مستاصل میکند و جنبش سرنگونی را وارد مرحله تازه ای خواهد کرد. بیدلیل نیست که جمهوری اسلامی در اولین روز سال تحصیلی کلاس های حضوری در تعدادی از دانشگاهها را یک تعطیل تعدادی از دانشگاهها وحشت خود را از حرکت دانشجویان اعتراف میکند. به خیال خود دست پیش گرفته اند تا جلو ابراز وجود دانشجویان و گسترش اعتصاب و تجمعات سراسری دانشجویان را بگیرند. اما عملاً تعدادی از دانشگاهها را وارد اعتصاب کردند! این تعطیلی دانشجویان را خانه نشین نخواهد کرد. تجمع های اعتراضی در سطح و جلوی دانشگاهها و در خیابانها پاسخ دانشجویان به این اقدام حکومت خواهد بود.

برای آزادی بازداشت شدگان مقابل زندانها تجمع کنیم

تجمع خانواده ها مقابل زندان اوین

بسیاری در شهرهای مختلف بازداشت زندانی شده اند. یک کارزار مهم ما آزاد کردن تمامی دستگیر شدگان است. لیست بازداشتی ها و زمان دستگیری بازداشت شدگان در تمام شهرها باید جمع شود و وسیعاً اطلاع رسانی شود. همراه با تجمعات خیابانی در مقابل زندانها و بازداشتگاههای حکومت جمع شویم و برای آزادی دستگیر شدگان فشار بیاوریم. با قدرت مبارزاتمان میتوانیم در زندانها را باز کنیم. به ضمیمه لیستی از بازداشت شدگان اخیر را مشاهده میکنید. یاری برسانید تا این لیست کامل شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مهر ۱۴۰۱، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲

روز شنبه دوم مهرماه در پی بازداشتهای گسترده در اعتراضات مردمی در روزهای اخیر اعضای خانواده دستگیر شدگان مقابل داسرای اوین تجمع کردند و خواستار آزادی فرزندان خود شدند. در این روز مامورین حکومتی به تجمع کنندگان پاسخی ندادند و آنها را از محل دور کردند. اما خانواده ها پیگیر وضع عزیزانشان هستند و همین امروز یک هدف فوری اعتراضات مردمی باز کردن زندانهاست. حزب کمونیست کارگری بر آزادی فوری همه بازداشت شدگان تاکید دارد و خانواده ها و مردم معترض را به تجمع در مقابل زندانها برای آزادی بازداشت شدگان فرا میخواند. طی مدتی که از شروع اعتراضات میگذرد شمار

باید در سطح جهان بایکوت کنند. دولتهای مماشات گر را محکوم کنید. این یک خواست مهم برای سرنگونی حکومت منفرود اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۳۱ شهریور ۱۴۰۱، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲

است که میتواند زمینه ساز و خواست مشترک اعتصابات عمومی باشد.

- بایکوت جهانی حکومت اسلامی: در تمام اعتراضات و در کف خیابان فریاد بزنید و از دولتها بخواهید که حکومت اسلامی را به دلیل جنایت و کشتار مردم

ادامه خیزش مردمی و چند تاکید فوری

- گسترش تظاهرات به تمام شهرها و مناطق: اعتراضات به شهرهای مختلف کشیده شده است. تلاش کنیم که دامنه آنها هرچه سریعتر به تمام شهرها و مناطق در تمام استانها کشیده شود.

-- گسترش اعتراضات به متروها، محلات و میادین شهرها. به این ترتیب میتوان نیروهای سرکوب را پراکنده کرد و آنها را عقب زد.

- تعرض به نیروهای سرکوب: فشار بر روی نیروهای انتظامی در تظاهرات های خیابانی و رودررویی با آنها و فراری دادن آنها اقدامی مهم در شکستن صف سرکوبگران، ایجاد شکاف در میان آنها و پایین آوردن روحیه شان است. بطور

نقشه مند و با اتحاد و همبستگی و با هوشیاری باید حلقه محاصره بر آنها را در کف خیابان تگ تر کرد و آنها را مورد تعرض قرار داد.

- طرح آزادی همه بازداشت شدگان: با ادامه اعتراضات در کف خیابان، همراهی با خانواده های بازداشت شدگان و تجمع مقابل در زندانها باید فشار بیاوریم تا تک تک دستگیر شدگان آزاد

معلمان وارد اعتصاب میشوند!



دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به سرکوب خواسته‌های به حق مردم ایران، دستگیری گسترده معترضان و ربوده شدن دانشجویان اعلام اعتصاب کرده و خواستار همراهی استادان با اعتراضات مردمی شده اند. این دانشجویان تمامی دانشگاهها را به اعتصاب فرا خوانده اند. دانشجویان پیشرو دانشگاه اصفهان نیز ضمن حمایت از این دانشجویان اعلام کرده اند که با تمام توان پشتیبان آنها هستیم.

حزب کمونیست کارگری همه بخش های کارگری و کل جامعه را به اعتصاب عمومی و سراسری فرا میخواند. متن بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ضمیمه است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ مهر ۱۴۰۱، ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای در همبستگی با اعتراضات مردمی و در اعتراض به سرکوبها و بازداشتها و پادگانی کردن فضاهای آموزشی اعلام اعتصاب کرده است. حزب کمونیست کارگری درود میفرستد به معلمان و حمایت و پشتیبانی قاطع خود را از فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان اعلام میکند. امیدواریم که معلمان در همه شهرها و در تمام مدارس در سطح سراسری به فراخوان اعتصاب شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان پاسخ مثبت دهند و اعتصاب به جریان بیفتد و تداوم یابد. اعتصابات سراسری یک حلقه مکمل و تقویت کننده اعتراضات مردمی در خیابان است. معلمان پیشتر این اعتصاب شده اند. جرقه اعتصابات در دانشگاه ها نیز زده شده و از جمله دانشجویان

معلمان شاغل و بازنشسته، پیشکسوتان و بازنشستگان کشوری و لشکری و تامین اجتماعی، سندیکاهای کارگری، ورزشکاران و هنرمندان و همه ی افراد مرجع و اثر گذار و مورد وثوق جامعه تقاضا دارد که در این روزهای سخت و البته امید انگیز، در کنار دانش آموزان و دانشجویان و مردم حق طلب ایران زمین قرار گیرند تا آسیب کمتری را فرزندان و هموطنان ما بردوش بکشند.

شورای هماهنگی امیدوار است که طی روزهای آینده مقامات حکومتی با محاسبه بی ثمری سرکوب و تاثیر آن در گسترش اعتراضات و نارضایتی ها طی تجربه های آزمون شده بسیار، با رویکردی عقلانی و قانونی دست از سرکوب شهروندان بردارند و به خواسته های مردم تمکین کنند در غیر این صورت شورای هماهنگی برنامه های بعدی خود را در اعتراض به شرایط کنونی و در همراهی با دانش آموزان و دانشجویان و مردم عزیز ایران اعلام خواهد کرد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران

۲ مهر ۱۴۰۱

خودداری نمایند. از رفتن به کلاس های درس در سراسر کشور خودداری نمایند.

مرگ مهسا امینی ثابت کرد اقصای مختلف اجتماعی نسبت به رویکرد حجاب اجباری که حتی دلایل دینی متقنی هم ندارد، به شدت معترض هستند. انتظار می رود دانش آموزان ایران زمین و به ویژه دختران شجاع سرزمین ما بر پافشاری این حق قانونی و ذاتی خود بیش از پیش اصرار ورزند و به نحوی مقتضی به مطالبه این حق ذاتی خود ادامه دهند. موج همراهی ملی در اعتراض به قتل مهسا امینی ثابت کرد که دیگر کسی از این پس به راحتی گذشته جرات نخواهد کرد که دختران این سرزمین را نادیده بگیرد و رفتاری غیر انسانی با آنها داشته باشد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران از تمامی نیروهای انتظامی صمیمانه و معلمان درخواست دارد که تفنگ خود را زمین گذاشته و به سوی مردم دردمند و به جان آمده خود شلیک نکنند و قبل از اینکه خیلی زود دیر شود، در کنار مردم قرار گیرند.

شورای هماهنگی همچنین از تمامی

دبیرستانی و دانشجویان ورودی ۱۴۰۱ هستند که هنوز پایشان به دانشگاه باز نشده، باید تجربه انفرادی و زندان را از سر بگذرانند. از دیگر سو هر روز در خیابان های کشور شاهد تصاویری دردناک از سرکوب معترضان هستیم که به طور گسترده در شبکه های مجازی منتشر شده و میلیون ها ایرانی و غیر ایرانی در سراسر جهان این صحنه های خشونت بار را مشاهده کرده اند. این تصاویر به حدی جانکاه و جگر سوز است که دل هر انسان شرافتمندی را به درد می آورد.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران ضمن محکومیت شدید سرکوب حکومتی علیه مردم بی دفاع در اعتراض به وضعیت حاکم به ویژه پادگانی شدن برخی مدارس، دستگیری و زندانی کردن دانش آموزان، دانشجویان و مردم در تجمعات مسالمت آمیز اخیر، از همه فرهنگیان شاغل و بازنشسته و دانش آموزان می خواهد تا در اعتراض به رفتار نادرست و خشن حاکمیت و همراهی با مظلومان به پا خاسته در کنار آنان قرار گیرند و نیز از معلمان و دانش آموزان درخواست دارد در هفته اول مهر از رفتن به کلاس های درس در سراسر کشور

ضمیمه:

"معلمان آزاده و ملت رشید ایران:

در روزهای اخیر شاهد صحنه هایی بودیم که از یک سو تلخ و از سوی دیگر شیرین بود. تلخی سوگواری شدن خانواده #مهسا امینی برای پرپر شدن فرزند بی گناهاشان و از سوی دیگر موج عظیم ملی و امیدوار کننده مردم در سراسر کشور در همبستگی و همراهی با این خانواده سوگوار، نشان داد که ایران هنوز زنده و پویا است و در برابر ظلم سر خم نمی کند.

دستگاه سرکوب حکومتی که تمام سعی اش در رسانه ها و پروپاگاندای حاکم این بود که نشان دهد مهسا به مرگ طبیعی مرده است، واهمه ای از این تناقض نداشت که به سوی مردم بی گناه در خیابان ها به صورت مستقیم شلیک کند تا ثابت کند که مرگ مهساها ی این سرزمین هیچ گاه تصادفی نبوده است. از سوی دیگر آمران خشک مغز جنایتکار، برخی مدارس کشور را پایگاه نظامی برای سرکوب مردم معترض کرده اند و بسیاری از جوانان دستگیر شده، دانش آموزان



تظاهرات و اعتراضات در شهرها و مناطق بسیاری ادامه دارد

"تا انقلاب نکرديم، به خونه برنگرديم"

اعتراضات مردمی در شهرهای مختلف ادامه دارد، در تظاهراتی در تهران مردم با شعار "تا انقلاب نکرديم به خونه برنگرديم" ادامه انقلاب و سرنگونی حکومت اسلامی را فریاد زدند. بنا بر خبرها شب گذشته در بیش از ۳۰ نقطه تهران تظاهرات و شعار دادن جریان داشت. از جمله در مناطق نارمک، پونک، قلهک، اکباتان، صادقیه، بلوارصدر، تجریش، سازمان آب، حبیب الله، شریعتی، ستارخان، قیطریه، اتوبان رسالت... تجمع و اعتراض جریان یافت. علاوه بر تهران مردم در شهرهای بسیاری به تظاهرات و شعار دادن و درگیری با نیروهای سرکوب ادامه دادند. بطور مثال این اعتراضات در شهرهای سراوان، اهواز، بوشهر، سنندج، شیراز، اصفهان، بوکان، قزوین، گوهردشت، تبریز، زاهدان، یزد، مشهد، کرمانشاه، ارومیه، کرج، رشت، بجنورد، مردم به خیابان آمده بودند. همچنین در روز گذشته

دانشجویان کوی دانشگاه تهران دست به اعتراض زدند. با توجه به قطع اینترنت در ساعات طولانی روز اخبار اعتراضات به کندی منتشر میشود. اما خبرها از گسترش دامنه اعتراضات به شهرها و محلات بیشتری حکایت میکنند و این گستردگی نیروی سرکوب حکومت را بیش از پیش پراکنده و فرسوده کرده و زیر ضرب قرار داده است.

در کنار اعتراضات خیابانی اعتصابات سراسری دارد شکل میگیرد. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان برای هفته اول مهر ماه اعلام اعتصاب کرده و تاکید کرده است که اگر سرکوبگری ها ادامه یابد و حکومت به خواسته های مردم تمکین نکند برنامه های بعدی خود را در اعتراض به شرایط کنونی در همراهی با دانش آموزان و دانشجویان اعلام خواهد کرد. استارت اعتصابات دانشجویان نیز زده شده است. دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در اعتراض به سرکوبها و

دستگیریهای گسترده فراخوان به اعتصاب داده اند و دانشجویان پیشرو اصفهان و جمع هایی از دانشجویان دانشگاه های خواجه نصیر، هنر، هنر سوره، خوارزمی، تهران و علامه طباطبایی، بوعلی سینا، چمران اهواز، از این فراخوان حمایت کرده و آموزش آنلاینی را تحریم کرده اند. بدین ترتیب اعتصاب دانشجویان دارد سراسری میشود.

در اعتراضات این هفته متأسفانه دهها نفر از تظاهر کنندگان با شلیک گلوله سرکوبگران جان باختند. مراسم گرامیداشت این عزیزان نیز به کانون های داغ تجمعات بزرگ مردمی و تظاهرات تبدیل شده است. روز گذشته در مراسم خاکسپاری جواد حیدری، از جانباختگان

اعتراضات در قزوین خواهر وی بر مزار برادرش موهایش را قیچی کرد و مردم علیه سرکوبگران شعار دادند.

حزب کمونیست کارگری بر گسترش و تداوم اعتراضات، و دست زدن به اعتصابات سراسری و پیوستن بخش های مختلف کارگران و دیگر بخش های جامعه به اعتصابات تاکید میکند. یک دغدغه مهم مردم آزادی بازداشت شدگان است. با تجمعات در مقابل زندانها و با قدرت اعتراضات میتوان فشار آورد که همه بازداشت شدگان آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۱، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲

اسلامی از سازمان جهانی کار دفاع کنند و این خواست را تقویت نمایند. اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار فضا را برای اعتراضات کارگران و مردم مهیاتر میکند. کشتار مردم توسط جمهوری اسلامی را محکوم کنید و برای آزادی بازداشت شدگان این اعتراضات فشار بیاورید.

هر جریان و تشکیلی که از مبارزات و خواسته های کارگران و مردم در ایران حمایت میکند باید خواهان اخراج این حکومت از سازمان جهانی کار و بایکوت دیپلماتیک و سیاسی آن شود. این گام موثر و مشخصی در دفاع از خواسته های مردم در ایران است.

تمامی زندانیان و دستگیر شدگان اخیر باید فوراً آزاد شوند. اعتراض و تظاهرات حق بی قید و شرط مردم است.

کمیته برای آزادی کارگران زندانی

۲۳ شهریور ۱۴۰۱

Shahla.daneshfar2@gmail.com

<https://free-them-now.com/>

لطف الله احمدی و خلیل خسروی از فعالین کارگری در سنندج و رضا شریفه از معلمان بازنشسته در این شهر هستند. همچنین لیلا عباسی، عضو هیئت مدیره ی کانون صنفی فرهنگیان در بیجار بازداشت شده است.

فری دم ناو (FTN) کمپین برای آزادی کارگران زندانی از یک جامعه آزاد و برابر دفاع میکند. فری دم ناو از حق تشکل و اعتصاب و اعتراض برای کارگران و تک تک مردم دفاع میکند. ما خواهان آزادی همه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی هستیم. هم اکنون شمار زیادی از معلمان و کارگران و دانشجویان و زنان در زندانهای جمهوری اسلامی هستند.

این حکومت به دلیل پایمال کردن ابتدایی ترین حقوق انسانی باید در سطح جهان بایکوت شود و سران آن بخاطر جنایاتشان در دادگاههای مردمی محاکمه شوند. ما از تشکلهای و اتحادیه های کارگران و معلمان در سطح جهان میخواهیم که از خواست اخراج جمهوری

مردم ایران میخواهند از سرکوب و جنایت خلاص شوند جمهوری اسلامی باید بایکوت جهانی شود

نابود باد فریاد مرگ بر دیکتاتور و فریاد مرگ بر دیکتاتور و نابود باد حکومت اسلامی از سراسر ایران به گوش میرسد. مردم در بیش از صد شهر به خیابان آمده اند و هر روز بر شمار شهرها اضافه میشود. از شهرهای تهران تا مشهد و اصفهان و شیراز و تبریز و ارومیه و سنندج و سقز نزدیک به دو هفته است که تظاهرات علیه حکومت جریان دارد. اعتراض به قتل فجیع مهسا امینی جرقه این تظاهرات ها را زد. مهسا امینی دختر ۲۲ ساله اهل سقز در تهران توسط نیروهای گشت ارشاد به دلیل حجاب دستگیر شد و ساعاتی بعد در حالی که در کما بود به بیمارستان کسرا در تهران تحویل داده شد. پزشکان اعلام کردند که او ضربه مغزی خورده است. مهسا امینی دیگر به هوش نیامد و روز ۲۵ شهریور سه

روز بعد از دستگیری روی تخت بیمارستان جان باخت.

این اولین جنایت حکومت اسلامی نیست. جمهوری اسلامی بیش از چهل سال است که دارد در کشور جنایت میکند. قوانین اسلامی نظیر حجاب اجباری به زنان تحمیل شده است. زنان و همه مردم وسیعاً علیه حکومت و قوانین اسلامی هستند.

طی روزهای اخیر دهها نفر در تظاهرات و اعتراضات به ضرب گلوله کشته شده اند. اما مردم قصد دست کشیدن از اعتراض را ندارند و بطور دسته جمعی به نیروهای سرکوب حکومت حمله میکنند و آنها را عقب میرانند.

در این اعتراضات همچنین صدها نفر از شهرهای مختلف بازداشت شده اند که در میان آنها فعالین چون مظفر صالح نیا،

اعتراضات مردمی در بیش از صد شهر تمامی دستگیر شدگان باید فوراً آزاد شوند

خیزش مردمی علیه بساط حکومت جنایتکار ضد زن و ضد انسانی و سیستم ضد انسانی و جهنمی آن ادامه دارد. مردم با شعار های مرگ بر دیکتاتور، جمهوری اسلامی نمیخواهیم مقابل حکومت ایستاده و بار دیگر جنبش سرنگونی در قامتی محکم و استوار به خیابانها کشیده شده است. دامنه اعتراضات به بیش از صد شهر کشیده شده است و اسامی آنها عبارتند از: تهران، پاکدشت، اندیشه فاز یک، اندیشه شهریار، گرمسار، پرند، سقز، سنندج، مریوان، دیواندره، بانه، پاره، بوکان، مهاباد، کامباران، پیرانشهر، سردشت، اشنویه، دهگلان، بیجار، قم، بهبهان، آبادان، اهواز، شوشتر، دزفول، بندر عباس، قشم، آمل، انزلی، لنگرود، بابل، بابلسر، رشت، رضوانشهر، نوشهر، رودسر، تنکابن، شهنشوار، ساری، قائم شهر، لاهیجان، شیراز، نورآباد ممسنی، هشتپر، اصفهان، شاهین شهر، زرین شهر، مشهد، بجنورد، قوچان، شیروان، سبزوار، اسفراین، بیرجند، نیشابور، زاهدان، کرمانشاه، دالاهو، اسلام آباد غرب، قروه، نقده، گوهر دشت کرج، فردیس کرج، ورامین، قرچک، رفسنجان، قزوین، اراک، گرگان، گنبدکاووس، سمنان، شاهرود، همدان، نهاوند، تبریز، اهر، اردبیل، زنجان، مرند، تالش، ارومیه، تکاب، ایلام، آبدانان، دهلران، سرابله ایلام، خرم آباد، کرمان، سیرجان، بروجرد، رباط کریم، ساوه، سرآسیاب ملارد، علی آباد کتول، قصر شیرین، کاشان، کیش، مرودشت، یاسوج، مراغه و یزد.

در تهران خیابان های فاطمی، بلوار کشاورز، ولیعصر، امیر آباد، میدان فلسطین، حافظ، مطهری، جنت آباد، نظام آباد، نازی آباد، میدان جهاد، بازار تهران، کانون اعتراضات و تجمعات مردم بوده است. اعتراضات در دانشگاهها گسترده تر شده و دانشجویان در دانشگاههای مختلف از جمله در دانشگاههای اصفهان، شیراز، الزهرا، دانشگاه تهران، پلی تکنیک، علم و صنعت، دانشگاه بهشتی، دانشگاه علوم و

تحقیقات، علامه، علوم پزشکی تبریز، خوارزمی کرج، و یزد دست به تجمع و شعار دادن و اعتصاب و اعتراض زده اند. بنا بر گزارشات دستکم ۲۵۰ نفر در شهرهای بانه، سقز، مریوان، سنندج، کامیاران، بیجار، قروه، تکاب، اشنویه، مهاباد و بوکان دستگیر شده اند. به علاوه تعدادی هم در دیگر شهرها بازداشت شده اند. لیستی اولیه از دستگیر شدگان اعتراضات اخیر مردمی در شهرهای مختلف عبارتند از: رضا شریفه از معلمان بازنشسته، مظفر صالحی نیا از فعالین کارگری و فرانک رفیعی، باران ساعدی، ماهرو هدایتی، آزاده جماعتی، ریزان احمدی و بهار زنگی بند از فعالین جنبش رهایی بخش، گشین محمدی، امیر غلامی و فرهاد سنندجی از فیلمسازان و فعالین اجتماعی، رضا شریفه و کاوه کریمی (کاویان کریمی)، لطفاله احمدی (از اعضای گروه کوهنوردی چل چه مه)، زانیار محمد نژاد، مهناز محمدی، فیلمساز و فعال حقوق زنان، روزان قادری، ژینا مدرسگرچی فعال حقوق زنان، از شهر سنندج، اوین راستی، ربیوار کامرانی پور و امجد ساعدی (مریوان)، مهناز محمدی، فیلمساز و فعال حقوق زنان در ۲۸ شهریور همراه با تعداد دیگری از فعالان حقوق زنان (تهران)، فرجاد درویشی اهل روستای بالو (ارومیه)، احسان فاتحی (کامیاران)، زانیار محمد نژاد، آرین مجیدزاده، میدیا رحیمی، اهون هوشمند، کامیار حیدری و بهرام دیدار (سقز)، مسعود و خسرو کردپور (بوکان) نیلوفر حامدی خبرنگار و یلدا معیری عکاس مطبوعاتی دو تن دیگر از بازداشت شدگان هستند.

بر اساس گزارش های منتشر شده، تعداد معترضینی که در تظاهرات سراسری اخیر کشته شده اند به ۱۷ تن میرسد. از جمله در شهر دیواندره دو نفر از معترضین به نام های فواد قدیمی و محسن محمدی که بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مسلح مجروح شده بودند، جان باختند. همچنین رضا لطفی در دهگلان، فریدون محمودی در سقز، زکریا خیال در

**رژیم آپارتاید جنسی در ایران،
مانند رژیم آپارتاید نژادی در آفریقای
جنوبی، باید از جامعه جهانی اخراج شود!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!**

**The gender apartheid regime in Iran, like the
racial apartheid regime in South Africa, must be
expelled from the international community!**

**DOWN WITH
THE ISLAMIC REGIME OF IRAN!**

مهسا امینی "شد و اعلام کرد: "سرکوب مرگبار اعتراضات به قتل در بازداشت مهسا امینی، نیازمند اقدام فوری جهانی است. ". همچنین ندی الناشف، سرپرست کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل گفت: "مرگ دلخراش مهسا امینی و اتهامات مربوط به شکنجه و بدرفتاری باید به سرعت، بی طرفانه و به طور موثر از سوی مراجع ذیصلاح مستقل مورد بررسی قرار گیرد. وزیر امور خارجه نروژ نیز با صدور بیانیهی به تاریخ ۲۹ شهریور اعلام کرد: "نروژ به فراخوان کمیساریای # حقوق بشر سازمان ملل برای تحقیق درباره مرگ او می پیوندد". یک کارزار مهم حزب کمونیست کارگری بایکوت جهانی جمهوری اسلامی این حکومت ضد زن و ضد انسان است. حزب همه مردم در ایران و در سراسر جهان را به پیوستن به این کارزار فرا میخواند.

پیرانشهر، سید عباس موسوی در لنگرود، فردین بختیار اهل محله شریف آباد سنندج و فرجاد درویشی در ارومیه، رضا لطفی اهل دهگلان، مینو مجیدی اهل قصرشیرین بدست سرکوبگران جمهوری اسلامی به قتل رسیده اند.

حزب کمونیست کارگری بر آزادی بدون قید و شرط تمامی بازداشت شدگان اعتراضات روزهای اخیر و خیزش های مردمی تاکید دارد. با ادامه اعتراضات در کف خیابان، همراهی با خانواده های بازداشت شدگان و تجمع مقابل در زندانها باید فشار بیاوریم تا تک تک دستگیر شدگان آزاد شوند. باید در تمام شهرها اسامی بازداشت شدگان را انتشار داد و پیگیر آزادی آنها از زندان شد. با قدرت اعتراضات سراسری میتوان در زندانها را گشود.

هنوز لیست کامل جانباختگان از شهرهای مختلف در دست نیست. باید اسامی و عکس آنها را همه جا انتشار داد. مردم در همه جا مراسم گرامیداشت جانباختگان را به صحنه های پر شور اعتراضاتشان تبدیل میکنند.

گفتنی است که اعتراضات مردمی در ایران انعکاس وسیع جهانی داشته است. در ترکیه و پاکستان شاهد تجمعاتی در همبستگی با مردم ایران بودیم. متعاقباً درخواست جاوید رحمان گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد در امور ایران در بیست و ششم شهریور ماه به تصویب قطعنامه ای جامع در خصوص محکومیت سرکوب و ارباب زنان و دختران در ایران، عفو بین الملل در بیانیه ای به تاریخ ۳۰ شهریور خواهان "تحقیقات کیفی پرونده مرگ مشکوک

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

شماره تلفن:

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

تلگرام: @sazmande



قتل مهسا امینی و روزشماری از اعتراضات مردمی جامعه سر بازیستادن ندارد

جامعه در التهاب و خیزش علیه حکومت جنایت و حجاب و آپارتاید جنسی است. قتل مهسا (ژینا) امینی خشم و انزجار همه مردم را بیش از پیش علیه حکومت و کل مزدوران و سرکوبگرانش بر انگیزخته است. مردم در شهرها و مناطق مختلف به خیابان آمده اند تا به حاکمیت این نیروی آدمکش و چپاولگر و عقب مانده اسلامی پایان دهند. اینجا سر فصل رویدادهای خیزش مردمی در روزهای اخیر را یادآور می‌شویم:

۲۵- شهریور: انتشار خبر درگذشت مهسا امینی دختر ۲۲ ساله سقزی همه مردم را تکان داد. با انتشار این خبر مردم بسیاری مقابل بیمارستان کسری در سقز تجمع کردند و شهر به یکپارچه خشم و اعتراض تبدیل شد.

۲۶- شهریور: هزاران نفر از مردم از سقز و شهرهای دیگر که به این شهر آمده بودند، در مراسم خاکسپاری مهسا امینی در قبرستان آچی حضور یافتند. و شعارهای "مرگ بر دیکتاتور"، "زن، زندگی، آزادی" بر فضای شهر طنین انداخت. مردم با شعار "زن، زندگی، آزادی" یاد مهسا را گرامی داشتند. در این مراسم زنان در حالیکه روسری‌های خود را برداشته و بر روی سر می چرخاندند، شعار آزادی سر میدادند. و این سرآغاز دور جدیدی از خیزش های مردمی در شهرهای کردستان و سراسر ایران شد. بدینگونه مهسا به نماد جنبش علیه حکومت حجاب و تبعیضات علیه زنان و کل بساط آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی تبدیل شد.

در روز بیست و ششم شهریور مردم در سقز به تجمع ادامه داده و محوطه مقابل ساختمان فرمانداری سقز به محل درگیری با نیروهای سرکوبگر تبدیل شد. مردم با سر دادن شعارهای "بی شرف، بی شرف" با آنها درگیر شدند. همراه با سقز مردم در سنندج نیز به خیابان آمدند. و در حالیکه نیروهای سرکوب گاز اشک آور پرتاب میکردند، مردم با شعار دادن و با فریاد بیشرف، بیشرف درگیر شده و مقابله میکردند. در تجمعات این روز در

سقز و سنندج تعدادی از مردم معترض زخمی و تعدادی بازداشت شدند. خیابانهای این دو شهر به محل درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر حکومت تبدیل شده بود. بنا بر خبری در این روز در گوهردشت کرج، هنگامیکه پسری با عکس مهسا امینی بر روی سکویی رفته بود، دستگیر شد.

بنا بر خبرها در اعتراضات روزهای ۲۵ و ۲۶ شهریور دست کم ۳۸ نفر در شهرهای سنندج و سقز با شلیک مستقیم نیروهای گارد یگان ویژه و ضربات باتوم مجروح و دهها نفر بازداشت شدند و خیابانها به صحنه درگیری مردم و نیروهای سرکوب تبدیل شد. گزارشات از وخیم بودن حال ۵ نفر از مصدومین خبر میداد. از جمله پارسا صحت ۲۳ ساله، نجیروان معروفی ۱۸ ساله و کیان درخشان به دلیل وضعیت وخیم جسمانی به مراکز درمانی تبریز انتقال داده شدند.

۲۷- شهریور: اعتراضات به دانشگاهها کشیده شد و اولین جرقه هایش در دانشگاه تهران زده شد. قتل مهسا امینی قلب همه مردم در سراسر کشور را به درد آورد و به خشم مردم در همه جا دامن زد. مردم در شهرهای مختلف به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی، از جمله شعارهای مرگ بر دیکتاتور، مرگ برخامنه ای، جمهوری اسلامی نمیخواهیم، نمیخواهیم، و... بر فضای شهرها طنین انداخت. همچنین با پخش این خبر بخش های مختلف جامعه از نهادهای مختلف دفاع از حقوق زن، کارگری، معلمان، بازنشسته تا هنرمندان سینمایی و خوانندگان و ورزشکاران و غیره بیانیه دادند و خشم و انزجار خود را اعلام داشتند.

علاوه بر سقز و سنندج مردم در شهرهای مهاباد و گوهردشت کرج و رشت نیز به خیابان آمدند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند و در این شهرها نیز شاهد رودرویی جانانه مردم با نیروهای سرکوب بودیم و در رشت شماری از مردم معترض بازداشت شدند.

۲۸- شهریور: اعتصاب عمومی در کردستان: اعتراضات در شهرهای کردستان در اعتراض به قتل مهسا امینی و جنایات جمهوری اسلامی ادامه یافت و کردستان یکپارچه وارد اعتصاب عمومی شد. در این روز در ۲۳ شهر از جمله در شهرهای سنندج، سقز، مریوان، بوکان، دیواندره، کرمانشاه، ایلام، سردشت، اشنویه، پیرانشهر، مهاباد، بانه، جوانرود، روانسر، قطور، نقده، تکاب، دهگلان، پاره، کامیاران، قروه، بیجار و کامیاران مردم دست از کار و کسب کشیدند. حزب کمونیست کارگری و شمار دیگری از احزاب سیاسی فراخوان این اعتصاب را داده بودند. با اعتصاب عمومی در کردستان اعتراضات مردمی علیه قتل مهسا وارد فاز جدیدی شد. تظاهرات های خیابانی ادامه یافت و از جمله در دیواندره، بانه، مریوان، کامیاران، سنندج، مهاباد، کامیاران، بانه، دهگلان، بوکان شاهد اعتراضات مردمی بودیم. در دیواندره مردم در رودرویی با سرکوبگران حکومت حماسه آفریدند و توانستند نیروهای سرکوب را عقب برانند. در جریان این درگیری ها متأسفانه دو نفر از مردم معترض به اسامی فواد قدیمی و محسن محمدی که بر اثر شلیک مستقیم نیروهای مسلح مجروح شده بودند، بعدا جان باختند. این جنایت به خشم مردم بیشتر دامن زد.

در این روز دامنه اعتراضات به شهرهای دیگر از جمله تهران، ایلام، تکاب، بیجار، اصفهان، گوهردشت، قروه، رشت، و مشهد کشیده شد. در تهران مردم در محل بلوار کشاورز، تقاطع حجاب دست به تجمع زدند و نیروهای سرکوبگر را مورد تعرض قرار دادند و آنها را فراری دادند. در یک مورد موتور یکی از بسیجی ها را مردم به آتش کشیدند و او را فراری دادند. یک صحنه جالب دیگر در تجمع اعتراضی مردم در تهران درگیر شدن

جوانان با لباس شخصی ها و ممانعت از دستگیری یکی از زنانی بود که حجاب از سر برداشته بود. در صحنه دیگری مردم دور ماشین یکی از نیروهای سرکوبگر را گرفته و فریاد میزدند "بیا پایین. مردم مارو میزنی بیشرف؟ مردم مارو میزنی بیشرف؟". در صحنه دیگری در شهرک ولی عصر منطقه ۱۸ هنگامیکه دو پلیس میخواستند زنی را بخاطر بی حجابی با خود ببرند، مردم آنها را محاصره کرده و فراری دادند. در این روز همچنین دانشجویان دانشگاه امیرکبیر تهران در محوطه دانشگاه تجمع کرده و با سر دادن شعارهایی از جمله "میکشم میکشم هر آنکه خواهرم کشت" و شعارهای دیگری دست به اعتراض زدند. علاوه بر دانشگاه امیرکبیر دانشجویان در دانشگاههای هنرهای زیبا، علم و صنعت، بهشتی، خوارزمی کرج، علامه طباطبایی، یزد، علوم پزشکی تهران، اصفهان، شریف و دانشگاه تهران نیز تجمع داشتند. در دانشگاه تهران دانشجویان شعار میدادند: "به نام دین و قانون/ حلال شده خونمون"، "بسیجی، بسیجی، ننگ به نیرنگ تو/ خون جوانان ما می چکد از چنگ تو"، "زهایی حق ماست/ قدرت ما جمع ماست"، "ما همه مهسا هستیم/ بجنگ تا بجنگیم"، فقر و فساد و بیداد/ مرگ بر این استبداد"، "حراست و سپاهی/ پیوندتان مبارک"، "حراست کذایی/ قاتل ما شمایی". در یزد دانشجویان شعار میدادند: "بیکاری بیکاری حجاب زن اجباری". بنا بر گزارشات دست کم ۲۵۰ نفر در شهرهای بانه، سقز، مریوان، سنندج، کامیاران، بیجار، قروه، تکاب، اشنویه، مهاباد و بوکان توسط نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده‌اند.

۲۹- شهریور: اعتراضات مردم در ابعادی گسترده تر ادامه یافت. مردم با



قدرتمند جنبش سرنگونی بر گسترش اعتراضات خیابانی در تمام شهرها و مناطق ایران، بر همبستگی مردمی و بر اعتصاب عمومی و اعتصابات و اعتراضات سراسری بخش های مختلف کارگران و معلمان و دانشجویان و بازنشستگان و کارکنان به عنوان یک حلقه مهم تقویت و تداوم اعتراضات در کف خیابان تاکید میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ شهریور ۱۴۰۱، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲

بدین ترتیب اعتراضات مردمی تمام استانها را گرفته است. همبستگی وسیع مردمی، اعتماد به نفس مردم و ایستادن جانانه آنها در مقابل سرکوبگران و فراری دادن آنها و سوزاندن حجاب این پرچم کثیف حکومت آپارتاید جنسی و فریاد شعارهای مرگ بر دیکتاتور، جمهوری اسلامی نمیخواهیم و زن، زندگی آزادی شاخص پیشروی خیزش سرنگونی کنونی است.

حزب کمونیست کارگری در تداوم

از صفحه ۱۲

دامنه اعتراضات مردمی ...

مناطق ایران، بر کشاندن اعتراضات به محلات و بر همبستگی مبارزاتی همه مردم و بر اعتصاب عمومی و سراسری به عنوان یک حلقه مهم اعتراضات و تقویت و تداوم اعتراضات در کف خیابان تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱ مهر ۱۴۰۱، ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲

بازنشستگان مستقل تهران در بیانیه ای اعلام کردند: «ما بازنشستگان، علیه همه وضعیت نفرت انگیزی هستیم که شما مسبان در بیش از چهار دهه بر هست و نیست ما مردم آوار کرده اید و جدالها قطعی و دوران تعیین تکلیف است.»

حزب کمونیست کارگری در ادامه

قدرتمند جنبش سرنگونی بر گسترش اعتراضات خیابانی در تمام شهرها و

فراخوان بازنشستگان فولاد و معادن به تجمع

این درد مشترک، هرگز جدا جدا درمان نمیشود.

۵۱۵ هزار تومان

۲- تسریع در پرداخت معوقات ۱۸ ماهه پیگیر است.

#بازنشستگان_بیدار_مطالبه_گر

برگرفته از مبدیای اجتماعی

دیدار ما بدلیل تعطیلی یکشنبه، سوم مهر ماه و دوشنبه ۴ مهر ساعت ده تا ۱۲ ظهر مقابل دفاتر صندوقهای بازنشستگی در استانها،

۱- برقراری عدالت در نظام افزایش حقوق بازنشستگان؛ اعمال افزایش ۳۸ درصد +

**بازنشستگان فولاد و معادن:
تداوم اعتراضات تا دستیابی به مطالبات**

قتل مهسا امینی و روزشماری ...

از صفحه ۱۰

بار دیگر دست به تجمع و تظاهرات شعار دادن زدند.

در سنجش شب گذشته نیز اعتراضات ادامه داشت. فضای شهر به شدت سنگین و امنیتی بود. نیروهای سرکوبگر با خشونت تمام با معترضین برخورد میکردند و مردم معترض با جسارت در مقابل آنها مقاومت میکردند.

۳۱- شهریور: علیرغم قطع اینترنت خیر ها از ادامه گسترده اعتراضات مردمی از جمله در شهرهای اسلام آباد غرب، سنندج، بجنورد، همدان، فاز ۳ شهرک اندیشه، اشنویه، همدان، تبریز، دهدشت، بروجرد، انزلی، شیراز، یزد، خرم آباد، اراک، ملایر، مراغه، ارومیه، بهبهان، کرمانشاه، اردبیل، خیر می دهد. در تهران مردم در بلوار کشاورز و میدان ولیعصر شعار مرگ بر دیکتاتور سر داده و با فریاد

ننگ ما، ننگ ما رهبر الدنگ ما، دروغ میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست فریاد اعتراضشان را بلند کردند.

در مترو بهشتی نیز جمعی از مردم با شعار دادن مردم را به پیوستن به اعتراضات فرا میخواندند. تجمع دیگر در نظام آباد بود و مردم شعار میدادند: "ما همه مهسا هستیم، بجنگ تا بجنگیم". همچنین در بلوار فردوسی خیابان ابوذر مردم معترض به دادسرای عمومی تهران هجوم آوردند. در این روز تظاهرات در تهران به خیابانهای تحت جمشید خیابان بندرانزلی، سرحافظ و درب غربی پارک لاله کشیده شد.

امروز سی و یکم شهریور در مراسم خاکسپاری مینو مجیدی مردم با خشم علیه حکومت شعار دادند و اعتراض کردند. مینو مجیدی روز ۲۹ شهریور با شلیک گلوله مأموران مسلح حکومت در کرمانشاه جان باخت شد. بنا بر خبرها در روز قبل از این ۴ نفر در لنگرود، ۲ نفر در رودسر و یک نفر نیز در انزلی بر اثر شلیک سرکوبگران حکومت به قتل رسیدند. سرکوبگری های حکومت بر آتش خشم مردم شدت داده است و فراخوانها برای اعتراضات خیابانی برای روزهای بعد نیز داده شده است.

شعارهایشان فریاد نابودی حکومت را سر دادند. از جمله مردم در این روز در این شهرها دست به تظاهرات و درگیری با نیروهای سرکوب زدند: سنندج، مریوان، پیرانشهر، اراک، تبریز، تهران در بلوار کشاورز، خیابان ولیعصر، میدان جهاد و میدان فسطین، مشهد، همدان، ایلام، کرمانشاه، زنجان، تبریز، قزوین، قم، رشت، کرمان، بیرجند، گوهردشت، بندرعباس، فردیس کرج، آبادان، بهبهان، اهواز، خرم آباد، شیراز، سبزوار، ساری، اصفهان، رفسنجان، ارومیه، آبدانان، کیش، گرگان، نقده، قروه، در این روز دانشجویان دانشگاه تهران برای چندمین روز تجمع داشتند. یک صحنه زیبا از اعتراضات این روز حجاب سوزان دختران در شهر ساری و رقص بی حجاب آنها به گرد آتش و شادی مردم بود.

۳۰- شهریور: اعتراضات مردمی به خیزشی سیاسی و سراسری در شهرهای بیشتری تبدیل شده است. در این روز مردم در شهرهای تهران در جنت آباد، نازی آباد، نظام آباد، کرج، سنندج، دهگلان، مهاباد، بوکان، اشنویه، پرنده، شیروان، شهسوار، گنبد کاووس، ورامین، تالش، ارومیه، ساوه، دزفول، پاکدشت، تنکابن، رودسر، نهاوند، آمل، قشم، گرمسار، سردشت، آمل، اردبیل، اسلام آباد غرب، همدان، ایلام، سمنان، سرابله ایلام، کرمانشاه، رضوانشهر، زاهدان، زرین شهر، تبریز، مرند، نورآباد ممسنی، قوچان، اندیشه فاز یک، دهلران، پاکدشت، و مشهد به خیابان آمدند. در تهران جمعیت بزرگی از مردم شعار میدهند: "وای به روزی که مسلح شویم". در آمل شاهد فراری دادن سرکوبگران توسط مردم هستیم. در قشم مردم با پرتاب سنگ به بنر قاسم سلیمانی در دادسرای شهر علیه حکومت فریاد کشیدند و خشم و نفرتشان را به نمایش گذاشتند. در مشهد خبرها حاکی از تعرض مردم به کلاتری احمدآباد و آتش زدن خودروهایی سرکوبگران است. در این روز دانشجویان دانشگاه های تهران، علوم و تحقیقات، الزهرا، علامه، شیراز، و دانشگاه بهشتی

دامنه اعتراضات مردمی گسترش می یابد

مردم نیروهای سرکوب و مقرهایشان را هدف قرار میدهند

دامنه اعتراضات گسترده تر میشود. روز گذشته از اعتراضات در بیش از صد شهر گزارش کردیم. مردم در شهرهای دیگری نیز وارد اعتراض شده و خیابانها در همه جا به صحنه رود رویی مردم با نیروهای سرکوب تبدیل شده است و در جاهایی جوانان به مراکز نیروهای سرکوب حمله کرده و موتور و ماشین آنها را به آتش میکشند. در این درگیری ها بعضا ابزار سرکوب نیروهای انتظامی از جمله گاز اشک آور و شوکر برقی که دست جوانان افتاده آنها را علیه خود سرکوبگران استفاده کرده اند. در فیلمها و تصاویر نیروهایی را می بینیم که به سختی از مردم کتک خورده اند. از جمله در شرق تهران یکی از سرکردگان بسیج توسط مردم بشدت گوشمالی شده بود. خبرها بعضا از درگیر شدن و کتک کاری خود نیروهای حکومتی با هم گزارش میدهند. یک صحنه جالب از اعتراضات مردمی در شب گذشته ریختن گازوئیل در کف خیابان توسط مردم و واژگون کردن موتورسواران حکومت بود.

شب گذشته و امروز مردم در شهرهایی چون تهران، سنندج، اسلام آباد غرب، کاشمر، سردشت، مهر شهر کرج، مشکین شهر، کیانپارس اهواز، اشنویه، رشت، محمود آباد، قشم، زنجان، کرج، تبریز، ورامین، آمل، همدان، کوههدشت، مشهد، روستای بالو در ارومیه، ایلام، نوشهر، نیشابور، نورآباد ممسنی، تبریز، دیواندره، بندرعباس، شیراز، اردبیل، آبادان، گرمسار به خیابان آمدند و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در تهران اعتراضات در خیابان های نظام آباد، بلوار کشاورز، متروی بهشتی، صادقیه، اکباتان صورت گرفت. در نظام آباد جوانان نارنجکهای دودزا و گاز اشک آور بدست آمده از نیروهای سرکوب را به سمت آنها پرتاب میکردند. بنا بر خبرها جوانان خیابان ولیعصر بین تجریش- پارک ساعی را در کنترل خود داشتند. در محله نظام آباد مردم شعار میدادند "ما همه مهسا هستیم. بجنگ تا بجنگیم" و خیابان صحنه درگیری مردم با نیروهای

سرکوب بود. در بلوار کشاورز مردم معترض با شعار دروغ میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست، فریاد اعتراضشان را علیه حکومت بلند کردند. در جنت آباد ماشین سرکوبگران را مردم آتش زدند و در نازی آباد نیز تعدادی از زنان روسریهای خود را در کانکس آتش گرفته پلیس انداختند.

در فردیس کرج در ساعت یک بامداد امروز اول مهر ماه خیابان در کنترل مردم بود و شعار میدادند: امسال سال خونه، سید علی سرنگونه. در الوند قزوین تظاهر کنندگان پرچم و سمبلهای حکومت را پایین کشیدند و آتش زدند. در مشهد نیز مردم در خیابانها شعارهای ضد حکومتی سر دادند و در بلوار معلم میدان معلم، مجسمه یکی از آخوندهای حکومتی را آتش زدند. در قشم مردم دادسرای شهر را مورد حمله قرار دادند و دفتر امام جمعه شهر را به آتش کشیدند. در رشت سبزه میدان و خیابانهای دیگر دست مردم بود و فریاد "مرگ بر خامنه ای"، "نگ ما، نگ ما، رهبر الدنگ ما" در فضای شهر طنین انداخته بود. در اشنویه مردم پایگاه بسیج را مورد حمله خود قرار دادند. در همدان همانند بسیاری شهرهای دیگر مردم زن و مرد با نیروهای سرکوبگر حکومت درگیر شده و آنها را فراری دادند. در آمل شب گذشته مردم با نیروهای سرکوب درگیر شدند و آنها را گوشمالی دادند. متأسفانه یکی از جوانان بنام غزاله چلاوی با گلوله سرکوبگران به قتل رسید.

در کاشمر مردم با شعارهای کوبنده مرگ بر دیکتاتور، می کشم می کشم هر آنکه خواهرم کشت به خیابان آمدند و با سرکوبگران مقابله کردند و خیابانها را بند آوردند. در روستای بالو در ارومیه مردم بسیاری در گرامیداشت دانش رهنما، که بدست نیروهای سرکوب کشته شد، جمع شده و شعارهای ضد حکومتی سر دادند. در ایلام مردم بسیاری در مراسم گرامیداشت محسن قیصری که در روز چهارشنبه ۳۰ شهریور با شلیک گلوله سرکوبگران به قتل رسید جمع شدند و یادش را گرامیداشتند. در این مراسم شعار

اسامی برخی از شهرهایی که در آنها تظاهرات جریان داشته و یا دارد:

تهران، پاکدشت، اندیشه فاز یک، اندیشه شهریار، گرمسار، پرنده، سقز، سنندج، میوان، دیواندره، بانه، پاره، بوکان، مهاباد، کامبازان، پیرانشهر، سردشت، اشنویه، دهگلان، بیجار، قم، بهبهان، آبادان، اهواز، شوشتر، دزفول، بندرعباس، قشم، آمل، انزلی، لنگرود، بابل، بابلسر، رشت، رضوانشهر، نوشهر، رودسر، تنکابن، شمسوار، ساری، قائم شهر، لاهیجان، شیراز، نورآباد ممسنی، هشتر، اصفهان، شاهین شهر، زرین شهر، مشهد، بجنورد، قوچان، شیروان، سبزوار، اسفراین، بیرجند، نیشابور، زاهدان، کرمانشاه، دالاهو، اسلام آباد غرب، قروه، نقده، گوهر دشت کرج، فردیس کرج، ورامین، قرچک، رفسنجان، قزوین، اراک، گرگان، گنبدکاووس، سمنان، شاهرود، همدان، نهاوند، تبریز، ابهر، اردبیل، زنجان، مرند، تالش، ارومیه، تکاب، ایلام، آبادان، دهلران، سراپله ایلام، خرم آباد، کرمان، سیرجان، بروجرد، رباط کریم، ساوه، سرآسیاب ملارد، علی آباد کتول، قصر شیرین، کاشان، کیش، مرودشت، یاسوج، مراغه، کاشمر، مهر شهر کرج، مشکین شهر، محمود آباد، کوههدشت، و یزد.

یک خواست تظاهر کنندگان آزادی تمام دستگیر شدگان است. تمامی بازداشت شدگان باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. حزب کمونیست کارگری بر ارسال اسامی و مشخصات تمامی بازداشت شدگان در تمام شهرها و پیگیری وضعیت آنان تاکید دارد. با نیروی اعتراضات مردمی میتوان تمامی زندانیان در بند را از زندانها رها کرد.

طبق گزارشات شمار کشته شدن افزایش یافته و شب گذشته یاسین جمالزاده در رضوانشهر به قتل رسید. خانه کیا نیز شب ۳۰ شهریور در خیابان ستارخان هدف گلوله مستقیم پاسداران قرار گرفت. همچنین غزاله چلاوی در شهر آمل به قتل رسید. مردم یاد این عزیزان را با گسترش اعتراضاتشان علیه بساط جنایت و سرکوب جمهوری اسلامی و فریاد آزادی، آزادی گرامی می دارند.

خیزش مردمی ابعاد سراسری بخود گرفته است. تشکلهای مختلف کارگری و بازنشستگان و نهادهای مردمی طی بیانیه هایی حمایت و همبستگی خود را از اعتراضات مردمی اعلام کرده و سرکوبگری های حکومت را محکوم کرده اند. از جمله سندیکای شرکت واحد و سه تشکل شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران و گروه

میدادند "مرگ بر دیکتاتور"، "می کشم می کشم آنکه برادرم کشت"، "می کشم می کشم هر آنکه خواهرم کشت" و شعارهای دیگر.

در نوشهر تظاهر کنندگان ماشینهای نیروهای سرکوبگر را به آتش کشیدند. نیروهای حکومتی از ترس به داخل مغازه ها رفته و کرکره ها را پایین کشیدند. در نیشابور جوانان تندیس خمینی را در میدان موسوم به خمینی تخریب کردند.

امروز اول مهر در تبریز تظاهر کنندگان در چهارراه شهناز دست به تظاهرات زدند و با شعار مرگ بر دیکتاتور و دیگر شعارها علیه حکومت فریاد زدند.

با گسترش اعتراضات در دانشگاه ها و پیوستن آنها به اعتراضات مردمی حکومت اعلام کرده است که کلاسها آنلاین برگزار خواهد شد. دانشجویان نیز در کف خیابان همراه با مردم معترض دارند حماسه می آفرینند.

از سوی دیگر خبرها از گسترش دستگیری ها گزارش میدهند. طبق گزارشات دریافتی در شب گذشته تعدادی از مردم معترض در شهر رودسر بازداشت شدند. همچنین بعد از ظهر روز گذشته پس از برگزاری تجمع دانشجویان دانشگاه تهران، حراست دانشگاه تعدادی از آنان را هنگام خروج از دانشگاه بازداشت کرد و به ساختمان حراست واقع در خیابان ۱۶ آذر انتقال داد و سپس از آنجا به مکانی نامعلوم منتقل کرد.

بازداشت شدگان اخیر باید بدون قید و شرط آزاد شوند

تمام شهرها لیست بازداشت شدگان و عکس آنها را جمع کنیم و رسانه ای کنیم و صدای اعتراضمان را جهانی کنیم. به ضمیمه لیستی از بازداشتی ها را مشاهده میکنید. این لیست را در همه جا انتشار دهید و آنرا تکمیل کنید. تمامی بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی باید آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲ شهریور ۱۴۰۱، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲

بازداشت شدگان را آزاد کنیم و در زندانها را بگشاییم. همراه با خانواده ها مقابل مراکز حکومتی و زندانها جمع شویم و پیگیر وضعیت عزیزانمان شویم و فشار بیاوریم که همه شان آزاد شوند.

بعلاوه از شهرهای دیگر گزارشات از دستگیری های بیشتر خبر میدهند. در

کشیده میشود. نیروهای سرکوب در برابر مردم خشمگین و معترض امان ندارند و خیابان ها به صحنه جدال جانانه مردم با سرکوبگران تبدیل شده است. در اعتراضات مردمی در این یک هفته شمار بسیاری بازداشت شده اند. با قدرت عظیم مبارزاتی مان میتوانیم تمامی

تظاهرات و اعتراضات علیه حکومت دامنه اش هر روز گسترده تر میشود. دو روز قبل از به خیابان آمدن مردم در بیش از صد شهر خبر دادیم و در همین مدت شمار شهرهای در اعتراض افزایش یافته است و هر روز بیشتر وسعت میگیرد. در تهران اعتراضات دارد به تمام محلات

لیستی اولیه از بازداشت شدگان اخیر، این لیست را باید کامل کنیم

سیاسی در استان گلستان
۴۲- سیاوش حیاتی سخنگوی مجمع مشورتی فعالان مدنی یارسان در استان کرمانشاه،

۴۳- محمدجولانی، عسگر اکبرزاده و سعید صادقی فر فعال اجتماعی در اردبیل
۴۴- روزان قادری نقاش ساکن سنندج،
۴۵- عبدالرحمن محمدی ارشد فعال محیط زیستی در پیرانشهر

۴۶- زهرا توحیدی و هدای توحیدی فعال سیاسی از اعضای سابق دفتر تحکیم وحدت،

۴۷- علیرضا خوشبخت و روح الله نخعی روزنامه نگار و فعال سیاسی،

۴۸- منصوره موسوی نویسنده و جامعه شناس

۴۹- حشمت الله طبرزدی دبیرکل جبهه دموکراتیک ایران

۵۰- مهرداد ارندان دانشجوی اقتصاد دانشگاه علامه و فاطمه سپهری فعال مخالف جمهوری اسلامی

۵۱- بنفشه کمالی دانش آموز خسته ادبیات فارسی دانشگاه یزد و ویراستار

۳۲- مهدی باقرزاده دانشجوی رشته سینما دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

۳۳- امین توحیدی دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی

۳۴- شاهو بایزیدی دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی

۳۵- احمدرضا افشار دانشجوی گرافیک هنر اسلامی تبریز

۳۶- آذین سعیدی نسب دانشجوی محیط زیست دانشگاه تهران در اول مهر بازداشت شد

۳۷- کرم الله سلیمانی. دانش آموز خسته و فعال دانشجویی سابق دانشگاه کاشان، روز چهارشنبه توسط نیروهای امنیتی در گچساران

۳۸- محمد ولیزاده، اهل بوکان و دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه ارومیه، روز دوشنبه ۲۸ شهریور بازداشت شد

۳۹- هانیه دائمی و همسر او حسین فاتحی در اول مهر بازداشت شدند

۴۰- سجاد رمضان زاده بازداشت شد
۴۱- عباس باقری استاد دانشگاه و فعال

انگلیسی دانشگاه پیام نور مروان روز سه شنبه ۲۹ شهریور بازداشت شد

۱۶- رامتن موثق دانشجوی دانشگاه شهید بهشتی

۱۷- نگین آرامش دانشجوی دانشگاه فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۱۸- بهنام دارابی دانشجوی تئاتر دانشگاه سوره روز ۳۱ شهریور بازداشت شد

۱۹- بردیا شکوری فرد دانشجوی اقتصاد دانشگاه تهران

۲۰- مجید اماموردی دانشجوی حقوق دانشگاه تهران و دارنده

۲۱- ماهان گچیزان عیدگاهی دبیر کل شورای صنفی و دانشجوی روانشناسی دانشگاه تهران

۲۲- کامیار شریفی دانشجوی برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه تهران

۲۳- سهند مرتضوی دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه تهران

۲۴- شیوا موسی زاده دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی دانشگاه هنر تهران

۲۵- محمد نوری دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

۲۶- زهرا کشکی دانشجوی دانشگاه تربیت مدرس

۲۷- علیرضا صابریان دانشجوی علوم پزشکی دانشگاه مشهد

۲۸- بهروز شیربیگی دانشجوی جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبایی

۲۹- فرهاد شجاع حیدری دانشجوی کارشناسی ارشد مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

۳۰- محمد عرب دانشجوی کارشناسی ارشد شیمی دانشگاه نوشیروانی بابل

۳۱- مهرداد ارندان دانشجوی اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی

- مظفر صالح نیا، فعال کارگری در سنندج در سی ام شهریور بازداشت شدند
۲- خلیل احمدی از فعالین اجتماعی در سنندج

۳- لطف الله احمدی فعال اجتماعی از اعضای گروه کوهنوردی چمچله در سنندج روز ۲۹ شهریور بازداشت شد

۴- فرانک رفیعی، باران ساعدی، ماهرو هدایتی، آزاده جماعتی، ریزان احمدی

روزان قادری، ژینا مدرس گرچی و بهار زنگی بند از فعالین جنبش رهایی بخش زن در سنندج

۵- مهناز محمدی، فیلمساز و فعال حقوق زنان

۶- گشین محمدی، امیر غلامی و فرهاد سنندجی از فیلمسازان و فعالین اجتماعی در سنندج

۷- کاوه کریمی (کاویان کریمی)، زانیار محمد نژاد فعال اجتماعی از سنندج،

۸- اوین راستی، ریووار کامرانی پور و امجد ساعدی از شهر مروان

۹- مهناز محمدی، فیلمساز و فعال حقوق زنان در ۲۸ شهریور همراه با تعداد دیگری از فعالان حقوق زنان (تهران)

۱۰- فرجاد درویشی اهل روستای بالو از فعالین روستای بالو در ارومیه

۱۱- احسان فاتحی از کامیاران

۱۲- زانیار محمد نژاد، آرین مجیدزاده، میدیا رحیمی، اهون هوشمند، کامیار حیدری و بهرام دیدار از سقز

۱۳- مسعود و خسرو کردپور (بوکان) نیلوفر حامدی خبرنگار و پلدا معیری عکاس مطبوعاتی

۱۴- مانده جمال لیوانی دانشجوی کارشناسی مهندسی برق دانشگاه نوشیروانی بابل اول مهر بازداشت شد

۱۵- خبات ویسی دانشجوی رشته زبان





حکایت از نفاق و دو چهرگی حضرات در مواجهه با مرگی است که از درونش حیات جوشیده و معترضان در سراسر ایران شعار «زن-زندگی-آزادی» را به دفعات طنین انداز نموده اند.

شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن حمایت و همراهی با اعتراضات مردمی در روزهای اخیر به کشته شدن #مهسا_امینی، عمیقاً به حاکمیت هشدار می دهد دست از تقابل با مردم و سرکوب هم وطنانش بردارد.

جان مردم افتادن، برای آنها پذیرفتنی باشد. پرسش مهم اینجاست اگر #مهسا_امینی به طور تصادفی و غیر سیستماتیک به مرگ طبیعی مرده است، چرا از یک سو چرخه چنین مرگ های تصادفی هیچ گاه در کشور ما قطع نشده است و از دیگر سو چرا حاکمیت برای سوگواران این جوان ۲۲ ساله درگذشته نیروهای سرکوبگر را به خیابان ها گسیل می کند؟ آیا حضور نظامیان در خیابان برای سرکوب اعتراض مسالمت آمیز و یا همدردی عاطفی با مرگ دختری بی گناه هم تصادفی است یا دشمنان قسم خورده برای بدنام کردن نظام، چنین به جان جوانان وطن افتاده اند؟

در طی این دو سه روز از سراسر کشور صدها ویدئو از حضور گسترده مردم در اقصی نقاط کشور از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور با حضور همه اقشار جامعه از دانشجویان تا بازاری و مردم کوچه و بازار را به معرض دید عموم نهاده است اما آیا با دیدن این تصاویر می توان شاهد همدلی و همراهی حاکمیت بود تا با ادعایش در چگونگی مرگ #مهسا_امینی، در تعارض بنیادی نباشد؟ یا این تصاویر

بخشی از بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در حمایت از اعتراضات مردمی

که پدر مهسا با صدای بلند اعلام کرد: دخترش هیچ بیماری زمینه ای نداشته و بدن او به هنگام مرگ کبود بوده و او به قتل رسیده است. مظلومیت قتل مهسا انفجار خشم را در سراسر کشور تکثیر کرد و موجب شد در اکثر نقاط کشور، تجمعات اعتراضی خودجوشی در محکومیت قتل #مهسا_امینی شکل بگیرد که متأسفانه سرکوب گران با هجوم به این تجمعات، برخی از فرزندان ایران را به ویژه در برخی از شهرهای کردستان به شهادت رسانده اند. درحالی که تصاویر منتشر شده حضور پر رنگ نیروهای امنیتی را با ماشین آب پاش و باتون و اسلحه در برخی خیابان های مختلف کشور نشان می دهد، باز بخش های مختلف حاکمیت از طریق اخبار دروغ و نخ نما می خواهند اذهان را منحرف کنند. گرچه هرگز این دروغ ها دیگر با این حجم از مدارک و شواهد آشکار، حتی نمی تواند طرفداران آنها را هم قانع کند که چنین به

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان طی بیانیه ای به تاریخ سی ام شهریور ماه ضمن حکوم کردن دوباره قتل مهسا امینی حمایت خود را از اعتراضات مردم اعلام کرده است.

در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: «معلمان آزاده و ملت شریف ایران: در پی قتل #مهسا_امینی به دست عوامل سرکوب گشت ارشاد، موجی از همبستگی ملی و جهانی در محکومیت این قتل، شگفتی خارق العاده ای خلق کرد. ماشین سرکوب که به دفعات در ادوار گذشته، تعدی به حقوق شهروندان را به اجانب و بیگانه نسبت می داد، این بار با این موج عظیم همبستگی عاطفی بی نظیر، ناچار شد از یک سو به طور رسمی با خانواده زنده یاد #مهسا_امینی، ابراز همدردی کند و از سوی دیگر در تناقض آشکار با این همدردی، بار دیگر با توسل به اخبار دروغ در رسانه ملی، مدعی شود که مهسا خود فوت کرده است. در حالی

بیانیه مشترک: ما بازنشستگان از همه چیز شما متنفریم!

برانید. اما خشم متحدانه مردم یکصدا و بی لکنت خروشید و فریاد برآورده: «زن، زندگی، آزادی»

این «نه ی سراسری مردم، ایستادن در صف حق خواهی به دفاع از رفاه و آزادی در زندگی انسان ست. پیوستن به صف رها شدن از همه نکبتهای وضع موجود است.

تازیان «حجاب» و سرکوب و منفعت قوانین خودساخته در برابر ثروت و دسترنج های کار این جامعه ست.

نان از سفره هامان برده اید و معاش مان را به گرو گرفته اید. برای بدست آوردن اندک حقوقی که خود قانونش کردید باید ماهها در کف خیابان می جنگیدیم.

زیست مان را سوزانده، آب را به خشکی و هوای تنفس مان را آلوده آید.

کولبری و سوخت بری و تن فروشی و عضو فروشی و خودکشی های بیسابقه و دهها مشقت را به «حوزه کار و معیشت»

شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران و گروه بازنشستگان مستقل تهران در حمایت از اعتراضات سراسری مردم بیانیه ای مشترک منتشر کردند. این بیانیه تأکید کرده است که ما نه تنها و هر لحظه در صفوف اعتراضات این مردم خواهیم بود، که بزرگترین جنبش اعتراضی نود و نه درصدی های جامعه را در خیابان بجلو خواهیم آورد:

ما بخشی از بدنه اجتماعی مردم و جنبش اعتراضی بازنشستگان، علیه همه وضعیت نفرت انگیزی هستیم که شما مسیبان در بیش از چهار دهه بر هست و نیست ما مردم آوار کرده اید.

زندگی و قتل مهسا، ستار، زهرا، نوید و رامین و همه فرزندان کشته شده به زندگی و مرگ ما مربوط است.

آنها کشته شدند تا جسارت حق خواهی و ایستادگی زنان و ما مردم در برابر ظلم تان را بشکنید و بترسانید و عقب

فساد در مقابل قدرتی که برای بقا و استمرارش به اسلحه و ثروت متکی ست. اما این شرایط تاریخساز به وضعیت گذشته بر نخواهند گشت.

ما بازنشستگان هم اکنون نه برای «چانه زنی» و نه تنها برای مقابله با حقارت های قوانین ضدکارگری، که برای زندگی های به غارت رفته مان، برای خلاصی از همه قوانین و ساختارهای ضد انسانی و برای رفاه و آزادی به میدان قطعی جدال خواهیم آمد. ما نه تنها و هر لحظه در صفوف اعتراضات این مردم خواهیم بود، که بزرگترین جنبش اعتراضی نود و نه درصدی های جامعه را در خیابان بجلو خواهیم آورد.

۳۱ شهریور ۱۴۰۱

شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، گروه بازنشستگان مستقل تهران، گروه اتحاد بازنشستگان، کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی

برگرفته از میدیایای اجتماعی

ارتقا و رسمیت داده اید. زندگی فرزندان مان را از کودکی ربوده و در چهار راه های بردگی کار و تجارت جنسی سامان دهی سودتان کرده اید. ما بازنشستگان بارها به «سهام خواهی از زندگی مان و به اشکال و ظرفیت های گوناگون به میدان جدال آمدیم و هر بار به «صدقه» و سرکوب پاسخ مان داده اید.

صندوق ها و داشته هامان را رسماً به غارت برده اید و قوانین نیم بندتان را هم به سخره گرفتید و وقیحانه به حق و حقوق بازنشستگی «فتوای» انکار سر میدادید.

اما ما بازنشستگان نه تنها تمکین نکرده ایم که وسیع ترین جدال نپذیرفتن فقر معاش را به بزرگترین جنبش اعتراضی /حق خواهی کارمزدی به میدان آورده ایم. اینک روند جدال ما و میلیونها فرزندانمان در موقعیت تاریخساز دیگری قرار گرفته ست.

جدال ها قطعی و دوران تعیین تکلیف است. جدال مردم برای رها شدن از همه نکبت فقر، سرکوب، تحجر، غارتگری و

فردانمان در موقعیت تاریخساز دیگری قرار گرفته ست.

جدال ها قطعی و دوران تعیین تکلیف است. جدال مردم برای رها شدن از همه نکبت فقر، سرکوب، تحجر، غارتگری و

بیانیه کانون نویسندگان ایران در اعلام همبستگی با جنبش آزادی خواهی مردم ایران

بر آنچه مردم بی‌باک در خیابان‌ها با جان خویش فریاد می‌کنند چیزی نمی‌توان افزود. اما بر همه‌ی نویسندگان و هنرمندان، تشکل‌های صنفی و فرهنگی، و نهادهای آزادی‌خواه و مستقل است که حمایت خود را، به صراحت و به دور از عاقبت‌طلبی‌های مرسوم، از جنبش آزادی‌خواهی مردم اعلام کنند؛ جنبشی که برای تادام، بیش از هر چیز به همبستگی نیاز دارد.

جنبشی که هم اکنون تقریباً همه‌ی کشور را در بر گرفته است حاصل خشمی چهل ساله است. حاکمیت جمهوری اسلامی از بدو تأسیس تا کنون با استفاده از ضرب و زور و صرف مبالغ هنگفتی از بودجه‌ی عمومی کشور در پروژه‌های به اصطلاح فرهنگی و عقیدتی و حذف و سانسور هنر و ادبیاتی که بازتاب دهنده‌ی روح جاری زندگی انسان امروز است کوشیده است مردم ایران و به ویژه نسل جوان کشور را از حق طبیعی آزادانه زیستن محروم کند و آن‌ها را در قالب دلخواه خود بگنجانند. بدیهی است که دود چنین سیاست ستمکارانه‌ای بیش از همه به چشم زنان جامعه فرو می‌رود؛ زنانی که از انواع تبعیض‌های جنسیتی رنج برده‌اند و در هر فرصتی زبان به اعتراض گشوده‌اند.

زنان پیشرو و آگاه ایران از همان نخستین سال‌های اجباری شدن حجاب در فرادای انقلاب ۵۷ به درستی دریافتند که تحمیل حجاب بر آن‌ها، تنها تحمیل نوعی پوشش نیست، بلکه توهین به شأن انسانی آن‌ها و فراتر از آن «در حجاب بردن» (نفس آزادی است و بدین‌سان جنبش برابری‌خواهی زنان ایران همواره بخشی مهم در جنبش آزادی‌خواهی مردم

ایران در چند دهه‌ی اخیر بوده است. جنبشی که این بار با نام زنی جوان و از دست رفتن جان گرمی‌اش گره خورده است. از نقطه‌ی آغازین این جنبش، قتل مهسا (ژینا) امینی، تا شعار فراگیر «زن، زندگی، آزادی (ژن، ژیان، نازادی)»، گروه‌های زنان که به انواع روش‌ها سرکوب و پراکنده شده بودند، گرد آمدند و در ادامه‌ی اعتراض زنان سقز و سنندج، نخستین فراخوان اعتراض خیابانی را پس از قتل مهسا امینی رقم زدند. خیابان «حجاب» را برگزیدند تا این نماد آشکار سلطه و آزادی‌ستیزی را به تمامی افشا کنند. حجاب که چهل و چند سال ابزار خشونت نظام‌مند جمهوری اسلامی علیه جان و زندگی نیمی از جمعیت ایران بود، به نماد سلطه و سرکوب همه‌ی مردم ایران بدل شد. حضور گسترده‌ی مردم در خیابان‌ها، پیوستن آنها به روسری‌سوزان و تکرار شعارهای مترقی، بر تلاش حکومت برای تقلیل خواست مردم به برچیدن «گشت ارشاد» خط بطلان کشید و نشان داد مسیر آزادی جامعه از آزادی زنان می‌گذرد.

خشونت لجام‌گسیخته‌ی جمهوری اسلامی در برابر معترضان و انکار حق طبیعی مردم برای بیان و ابراز مطالبات خویش، بار دیگر خیابان را به قتلگاه شریف‌ترین و شجاع‌ترین فرزندان ایران بدل کرد. در پاسخ، مردم بر تعداد نقاط تجمع افزودند، محله به محله به میدان آمدند، درهای خانه‌هاشان را به روی مجروحان و معترضان گشودند و خیابان به خیابان با دست‌های خالی نیروی خود را سامان دادند. نیروی عظیمی که ریشه در آزادی و خواست‌های دموکراتیک دارد.

اصل نخست منشور کانون نویسندگان ایران در بیش از ۵۰ سال گذشته نقطه‌ی اتصال کانون به جنبش‌های آزادی‌خواهی بوده است. کانون در این سال‌ها بی‌وقفه بر حق آزادی بیان، «بی هیچ حصر و استثنا برای همگان» پای فشرده است. آزادی بیان مسأله‌ای صرفاً صنفی برای نویسندگان نیست؛ آزادی بیان بستر

از مبارزات و اعتراضات سراسری مردم حمایت می‌کنیم

سندیکای شرکت واحد در حمایت از اعتراضات مردمی

سرپوش گذاشتن بروی این جنایت آشکار بوده اند که پدر و مادر مهسا شجاعانه تمام دروغ پردازی و مستند سازی ها را تکذیب کردند.

با این وجود مقامات حکومتی از سناریوسازیهای کاذب و تکراری دست بر نمیدارند و ادعا کرده اند که در اعتراضات مردمی «ردپای مداخله برخی از سفارت‌خانه‌ها و سرویس‌های خارجی به وضوح مشاهده می‌شود». «یادآوری

میکنیم که در حال حاضر دو نفر از اعضای سرشناس سندیکای کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه، و بسیاری از دیگر فعالین کارگری و معلمی شناخته شده و خوش نام، با همین سناریو سازی ها، دروغ پردازی ها و اتهامات بی پایه و اساس مشابه ماهها است که در بازداشت ناعادلانه به سر میبرند. همانطور که تمامی بازداشتیان کارگری و معلمی نشان داده اند اعتراضات کارگری، معلمی و دانشجویی، اعتراضات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه زنان، از جمله علیه حجاب اجباری، و مبارزات و اعتراضات دیگر گروههای برابری طلب در جامعه ریشه در گسترش بی عدالتی، فقر، فساد و سرکوب لجام‌گسیخته ابتدایی ترین حقوق کارگران، زنان، جوانان و کلیه اقشار زحمت کش و محروم کشور دارد.

اعتراضات روزهای اخیر در سراسر کشور در کف خیابان و توسط زنان و مردان و فرزندان به ستوه آمده کشور ما و بدون اتکا به هیچ دولت و «سفارت خانه و سرویسهای خارجی» به پیش رفته اند. این دروغ پردازی ها و سناریو سازیهای نخ نما تکراری فقط برای گرفتن مجوز برای سرکوب جوانان محروم و معترض به ظلم و ستم حاکم در کشور است و نشان میدهد که قصد دارند بار دیگر بطور فله ای دست به بازداشت و شکنجه و آزار معترضان آزادیخواه و حق طلب که از ستم و ظلم حاکمیت به ستوه آمده اند، بزنند. ما کارگران و مردم زحمتکش و تحت ستم

اعتراضات مردمی به قتل بیرحمانه مهسا (ژینا) امینی توسط نیروهای گشت ارشاد در پنجمین روز خود به بیش از ۸۰ شهر گسترش یافت. تعداد زیادی از مردم در اثر برخورد خشونت بار نیروهای امنیتی و انتظامی کشته، زخمی و بازداشت شده اند. عده ای همچنان مفقودالاثرتند. گروهی از فعالین مدنی، کارگری و معلمی نیز در میان بازداشت شدگان هستند.

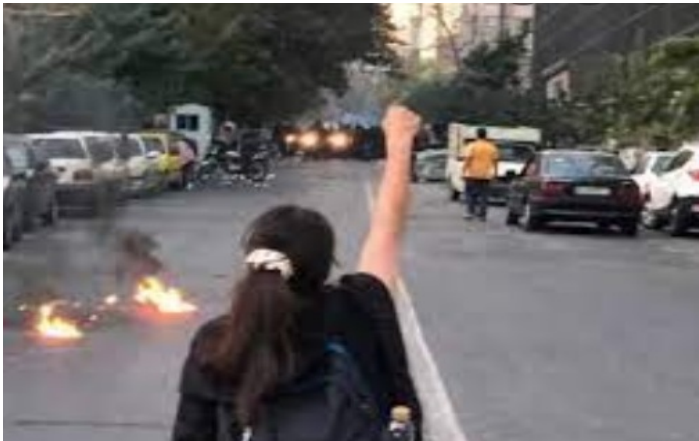
اگر چه مرگ دلخراش مهسا امینی شعله اعتراضات روزهای اخیر را روشن کرد، اما نارضایتی گسترده از شرایط موجود و چهار دهه برخورد های خشونت بار نسبت به مطالبات مردم و بویژه سرکوب حقوق زنان و جوانان و مردم تحت ستم در سراسر کشور به خصوص در مناطق محروم شده کشور، پیش زمینه این اعتراضات بود. در بستر تراکم انزجار و خشم عمومی از این همه ظلم و ستم لجام‌گسیخته، مردم معترض و بالاخص جوانان کشور، میادین شهرهای بزرگ و کوچک را به صحنه اعتراضات گسترده و سوزاندن روسری ها و برداشتن حجاب از سر تبدیل کرده و دانشگاهها در تهران، تبریز و چندین شهر دیگر با شعارهایی نظیر «ایرانی، ماشینتو خاموش کن»، که اشاره ای است به نیاز به اعتصابات عمومی و سراسری و «زن، زندگی، آزادی» به اعتراضات پیوستند.

در کردستان اعتصابات و اعتراضات بسیار گسترده ای صورت گرفته است و نیروهای سرکوب با شلیک مستقیم به مردم معترض در شهرهای مختلف کردستان دست به سرکوبی وحشیانه و کشتن معترضین زده اند.

در تهران نیز شاهد اعتراضات خیابانی و درگیری مردم با نیروهای سرکوبگر در مناطق مختلف شهر بوده ایم. در این میان عوامل اطلاعاتی و امنیتی با بهره بردن از صداوسیما که مورد نفرت اکثریت مردم میباشد با دروغ پردازی در مورد بیماری های ساختگی برای مهسا امینی در صدد



کانون نویسندگان ایران



مردم ایران برای رسیدن به آزادی و عدالت اجتماعی اعلام می‌کند و از همکاران و هم‌صنفان خود نیز دعوت می‌کند تا با به‌کارگیری تمام توان خود به این موج خروشان آزادی‌خواهی و ستم‌ستیزی بپیوندند.

زنده‌باد آزادی!

۲ مهر ۱۴۰۱

برگرفته از مدیای اجتماعی

محرومیت هنرمندان، هرگز نتوانستند ریشه‌ی هنر حقیقی، مستقل و مردمی را بخشکانند. امروز هنر همگام و همراه با مردم آزادی‌خواه قدم به عرصه‌ی مبارزه گذاشته است.

گروه تئاتر آگزیت به عنوان عضوی مستقل در جامعه‌ی هنری و عضو کوچکی از جامعه‌ی بزرگ مردم آزادی‌خواه، همبستگی خود را با خیزش

بیانیه گروه تئاتر آگزیت : در همبستگی با خیزش مردم ایران

مورد یورش و تاخت‌وتاز هسته‌های اولیه‌ی گروه‌های فشار قرار گرفت. بعدها همین چماق‌داران تبدیل به سرکوب‌گران سازمان‌یافته در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شدند و دهه‌ها سانسور و سرکوب سیستماتیک را به هنر و هنرمندان کشور تحمیل کردند. سیاست فرهنگی این رژیم از همان ابتدا بر این بود تا هنر با زندگی، واقعیت‌های مردم و خود آنها ارتباط نداشته و عنصری اخته و بی‌خطر در دست صاحبان قدرت باشد. مزدوران رژیم در طول چهار دهه سعی کردند هنری را تبلیغ کنند که در چهارچوب‌های ساختار رژیم و برای آن تعریف شود و نه چیز دیگر. اما علیرغم در انحصار گرفتن امکاناتی که در واقع متعلق به هنرمندان بود، و به کارگیری تمام توان‌شان در سرکوب و سانسور و

امروز در کشور ما، «زندگی» (با گام‌هایی استوار در پی بازپس گرفتن سنگ‌های حقوق اولیه‌ی انسانی دزدیده شده‌ی خود است و در راه آزادی و عدالت اجتماعی مبارزه می‌کند. در پی قتل مهسا امینی توسط گشت سرکوب‌گر ارشاد بر سر تحمیل حجاب اجباری، مردم در خیابان‌های سراسر کشور با شعار «زن، زندگی، آزادی» (از یک سو و «نان، کار، آزادی» از سوی دیگر متحد شده‌اند و خواست‌های خود را به روشنی فریاد می‌زنند. بار دیگر نهال آزادی کشورمان از خون مردم آبیاری شده و قد می‌کشد.

در طول چهل و سه سال گذشته صحنه‌ی تئاتر جولانگاه چماق‌داران و نیروهای سرکوب بوده است. هنوز بسیاری به یاد دارند که چگونه نمایش‌های مردمی

بیانیه در حمایت از اعتراضات مردمی و علیه سرکوب‌گرایی حکومت

مردم پایان نیابد، ساکت نخواهیم ماند. همصدا با همه مردم ما نیز دست به اعتراض خواهیم زد و کار را تعطیل خواهیم کرد. پیام ما کارگران و ما مردم را بشنوید. به شما اخطار می‌دهیم. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت-۴ مهر ۱۴۰۱ (برگرفته از کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت)

خیابانها به بهانه حجاب؟ تا کی گرسنگی و بی‌تامینی؟ دیگر بس است! اعتراض حق مسلم ما کارگران و ما همه مردم است و به ستم و ظلم و بساط سرکوب‌گرانه ای که بیش از چهل سال است بر ما روا میشود اعتراض داریم. ما دیگر حاضر به ادامه تحمل این بردگی و بیحقوقی‌ها نیستیم. ما کارگران نفت هشدار می‌دهیم که در صورتیکه به بازداشتها، به کشتار مردم و سرکوب‌گری‌ها و اذیت و آزار زنان بخاطر حجاب پایان داده نشود، و سرکوب

ما کارگران پروژه ای پیمانی نفت همصدا با همه مردم در ایران بار دیگر خشم و نفرت خود را نسبت به قتل مهسا امینی این دختر جوان به دست گشت ارشاد اعلام کرده و از مبارزات مردمی علیه خشونت سازمانیافته و هر روزه علیه زنان و علیه فقر و بی‌تامینی و جهنم حاکم بر جامعه حمایت و پشتیبانی میکنیم. مهسا و مهساها دختران ما و اعضای خانواده ما هستند. تا کی خشونت علیه زن و یکه تازی گشت ارشاد در



بیانیه در حمایت
از اعتراضات
مردمی و علیه
سرکوب‌گری‌های
حکومت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

از صفحه ۱۵

از مبارزات و اعتراضات سراسری ...

حق بلا منازع مردم سراسر کشور است و حاکمیت بداند که دیگر سرکوب و دسیسه و سناریو سازیهای دروغین راه به جایی نخواهند برد و امواج سهمگین اعتراضات و اعتصابات سراسری به حق تمامی سرکوب‌گران را با خود خواهد برد.

برگرفته از مدیای اجتماعی

ایران خوب میدانیم که بانی و مسبب تمام اعتراضات سراسری در کشور حاکمیت شما و مقامات ریز و درشتان است. سندیکای کارگران شرکت واحد انوبوسرانی تهران و حومه بار دیگر قتل فجیع مهسا امینی و سرکوب خونین معترضین به این‌چنین آشکار که دنیا را تکان داد را قویا محکوم میکند. سرکوب باید فوری متوقف گردد. کلیه بازداشت‌شدگان باید فوری و بدون قیدوشرط آزاد شوند، اعتراض و اعتصاب و دادخواهی

از صفحه ۱۵

بیانیه کانون نویسندگان ایران ...

کانون نویسندگان ایران همبستگی خود را با جنبش آزادیخواهی مردم ایران اعلام می‌کند و از نویسندگان و هنرمندان که حیات حرفه‌ایشان به آزادی بیان گره خورده است، و نیز از تشکلهای و نهادهای همسو در سراسر جهان می‌خواهد که صدای جنبش آزادیخواهی مردم ایران باشند.

۱ مهر ۱۴۰۱

برگرفته از مدیای اجتماعی

شکل‌گیری تشکلهای و جنبش‌ها و شاهرگ تداوم حیات آنهاست. حکومت به پشتوانه‌ی سال‌ها سرکوب نظام‌مند آزادی بیان، سانسور همه‌جانبه، کنترل و محدود کردن فضای مجازی که این روزها به اوج خود رسیده است و انحصار رسانه‌ای، در خیابان‌ها معترضان را می‌کشد و می‌رباید. اما مردم درخفقان‌زیسته نیز راه‌ها و روزنه‌های خود را در دل این تباهی گشوده و صدا و خواست خود را به عرصه‌ی عمومی آورده‌اند.

لیست جانب‌اختگان اعتراضات مردمی را تهیه کنیم

خواست مردم محاکمه سران جنایتکار حکومت است

حکومت اسلامی پاسخ اعتراضات مردم را با دستگیری و کشتار میدهد. تا کنون شمار بسیاری از تظاهر کنندگان در شهرهای مختلف هدف شلیک مستقیم گلوله های سرکوبگران جمهوری اسلامی قرار گرفته و جان باخته اند.

بنا بر گزارشات منتشر شده تا کنونی شمار کشته شدگان ۵۷ نفر است. اما شمار واقعی بیشتر از اینست. اسامی قربانیانی که نامشان در لیست زیر نیامده برای ما فرستید و این لیست را تکمیل کنید. اسامی منتشر شده جانب‌اختگان عبارتند از:

۲۸ شهریور: فریدون محمودی (سقز)، محسن محمدی (دیواندره)، آسان معدن پسند (تبریز)، رضا لطفی (دهگلان).

۲۹ شهریور: زکریا خیال (پیرانشهر)، ۱۶ ساله، فرزین لطفی (رضوانشهر)، میلاد زارع (بابل).

۳۰ شهریور: فرجاد درویشی (ارومیه)، فواد قدیمی (دیواندره)، مینو مجیدی (کرمانشاه)، صدرالدین لیتانی (اشنویه)، دانش رهنما (ارومیه)، ساسان قربانی (تالش)، -امین معرفت (معروفی)

اشنویه، میلان حقیقی (اشنویه)، -محسن قیصری (ایلام)، پویا شیدا (ارومیه)، غزاله چلاوی (آمل)، مهدی عسگری (گرمسار)، متین عبدالله پور (ارومیه)، عبدالله محمودپور (ارومیه)، خانه کیا (نوشهر)، یاسین جمالزاده، شاندرمن (رضوانشهر)، مهراب نجفی (زرین شهر) آرش پهلوان (مشهد)، فریدون احمدی (کردستان)، محسن مال میر (نوشهر)، علی مظفری (قوچان)، امیرعلی فولادی (اسلام آباد غرب، ۱۶ ساله)، ایمان محمدی (اسلام آباد غرب)، بهنام لایق پور (رشت)، سعید محمدی (اسلام آباد غرب)، مهدی موسوی (زنجان، ۱۵ ساله)، امیرحسین شمس (نوشهر)، مهرداد قربانی (زنجان)، عرفان خزایی (شهریار)، ۳۱ شهریور: روزبه خادمی (پردیس کرج)، امیر نوروزی (بندرانزلی)، مهدی لیلازی (مارلیک کرج)، مهرداد بهنام اصل (دهدشت)، پدram آذرنوش (دهدشت)، مازیار سلیمانیان (رشت)، هدیه نعیمانی (نوشهر)، علی اصغر گودیگلو، مهسا موگویی (فولادشهر)، سعید ایرانمنش (کرمان)، ابوالفضل اکبری دوست (لنگرود)، عباس

کارگران، همه مردم خوزستان! جوانان! مردان! زنان!

خیزش و اعتراض در سراسر کشور علیه حکومت جنایت و چپاول در جریان این خیزشی است برای رهایی ما مردم از جنایت، از فقر و فلاکت، از سرکوب و است. اگر می‌خواهیم دیگر شاهد جنایاتی نظیر زندان و از یکه تازی اوباش حکومت اسلامی متروپل نباشیم، اگر می‌خواهیم هر روز فقر بیشتری را به زندگی ما تحمیل نکنند، اگر می‌خواهیم عزیزانمان اسیر دست مفتخوران حاکم در زندانها نباشند، اگر می‌خواهیم هر دهیم، اگر می‌خواهیم به تبعیضات و بیحقوقی‌ها پایان، روز شاهد اعدام و دار نباشیم باید گسترده تر از قبل به خیابانها بیاییم و در برابر لشکر مفتخوران بایستیم و فریاد آزادی

سر دهیم

تا این همه ما حق داریم رفاه و امنیت و آزادی و زندگی شاد و انسانی داشته باشیم. حکومت سرکار است دستیابی به اینها ممکن نیست

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری، واحد خوزستان

۴ مهر ۱۴۰۱، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲

میرموسوی (لنگرود)، مهدی بیرزاد (قوچان)، روشنا احمدی (بوکان)، حدیث نجفی (کرج)، رضا شهرپرنیا (کرمانشاه)، ابوالفضل مهدی پور (بابل)، عرفان رضایی، محمد فرمانی (شهرری)، محمدحسن ترکمان (شاهین شهر).

بنا بر گزارشات چهار کودک در میان کشته شدگان هستند. در همین رابطه مدیر بخش خاورمیانه سازمان عفو بین الملل خواهان تشکیل یک کمیته تحقیق مستقل درباره وقایع ایران شده است.

مراسم گرامیداشت یاد جانب‌اختگان به

صحنه هایی از اعتراضات مردمی تبدیل شده است. لیست جانب‌اختگان را در تمام شهرها کامل کنیم و انتشار دهیم. لیست جانب‌اختگان سند دیگری از جنایات حکومت اسلامی است. جمهوری اسلامی به خاطر تمام جنایاتش باید در سطح جهان بایکوت شود. سران این حکومت باید محاکمه شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ مهر ۱۴۰۱، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲

پیامی از کانال مستقل کارگران نیشکر هفت تپه

#لطفا همگی یکصدا و متحد به اعتراضات بپیوندیم!

ما خواهان آزادی در همه زمینه ها و برابری و رفع استثمار هستیم! و خودمان اینها را ایجاد خواهیم کرد! کارگران هفت تپه، سایر کارگران در رسته های مخالف در شهرهای شوش، دزفول و اندیمشک،

همدوش سایر جوانان و کارگران که در خیابان دست به اعتراض میزنند، در خیابان حضور داشته باشیم و حق مان را یک بار برای همیشه بگیریم!

#نان_کار_آزادی_حکومت_شورایی

←

Thread



اسماعیل بخشی
@bakhshi_esmael

این دیگر اعتراض و سرکوب نیست، این رسماً جنگ است جنگ. دختر بیست ساله را وسط خیابان به رگبار بستند. کار از فراخوان دادن گذشته است هرکس ذره ای انسانیت و شرافت در خود احساس می‌کند باید انتخاب کند کجا بایستد.

#حدیث_امینی
#مهسا_امینی

انجمن حمایت از حقوق کودکان درباره رخدادهای اخیر

مسئولیت حمایت از حق زندگی کودکان به عهده دولت‌ها است

انجمن حمایت از حقوق کودکان درباره رخدادهای اخیر بیانییه ای داده است که در بخشی از آن چنین آمده است: "واکنش جامعه، به ویژه واکنش گروه‌های جوان و نوجوان به اتفاق ناگوار، پیرامون دستگیری و کشته شدن #مهسا_امینی به دلیل قربت سنی و بسیاری دیگر از عوامل، پررنگ‌تر است، به همین دلیل در شرایط این روزها شاهد حضور این گروه‌های سنی در خیابان‌های شهرهای مختلف ایران هستیم. بنابر اخبار واصله به انجمن حمایت از حقوق کودکان در روزهای اخیر تعدادی از گروه‌های سنی کودک و نوجوان مجروح و حتی در یک مورد در پیرانشهر نوجوان ۱۶ ساله ای به نام زکریا خیال کشته شده است و تعدادی نیز توسط نیروهای انتظامی دستگیر شده و به مراکز نامعلوم انتقال داده شده‌اند.

این نهاد مدنی برای پیشگیری و پرهیز از اتفاقات ناگوار و پیامدهای ناشی از آن، که تأثیرات جبران‌ناپذیری بر کودکان و نوجوانان می‌گذارد، خواهان:

- ۱- آزادی فوری و بی‌قید و شرط کودکان و نوجوانان دستگیر شده
- ۲- خودداری از دستگیری و انتقال این گروه‌های سنی به بازداشت‌گاه‌ها
- ۳- پرهیز از اعمال هر نوع برخورد خشونت آمیز در تجمعات اعتراضی مسالمت آمیز است. (هیات مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان- ۲ مهر ۱۴۰۱ برگرفته از مدیای اجتماعی،

یک گزارش میدانی از کارگری بازنشسته

زن،
زندگی،
آزادی

زنده باد انقلاب زنانه

آسیب نینیم. کف خیابان پر از سنگ بود و نشان از درگیری میداد. باز یک دسته دیگر از بسیجی ها به داخل یک خیابان فرعی حمله ور شدند و گاز اشک آور شلیک کردند. رسیدم به سر آن خیابان اینها هم برگشتند. کلاه کشی کشیده بودند سرشان که جمعیت بترسند در عین حال خودشان شناخته نشوند. یکی از این لباس شخصی که کیف یک ور می اندازند اسپری فلفل و دیگر تجهیزات برای سرکوب را در داخل کیفش گذاشت و سینه به سینه هم در آمدم. نگاهی به هم انداختیم و از کنار هم گذشتیم.

شب قبل هم ۲۹ شهریور رفته گوهردشت کرج البته با ماشین همراه دخترم. ساعت ۱۰ در آن منطقه درگیری شدید بود. ماشین ها در همراهی با معترضان بوق میزدند. کلافگی و دستپاچگی ماموران کاملا هویدا بود. دو اتوبوس را نیز آتش زده بودند که ما شاهد لاشه های آن بودیم.

به نظرم با تجربه خیزشهای قبلی این بی شرفها خیال کشتار بیشتر را دارند. اما دامنه اعتراضات بسیار گسترده است. در ادامه اعتراضات چند ماه گذشته به گرانی و وضعیت مصیبت بار معیشتی این خیزش اخیر شکل گرفته است. این شرایط تاکیدی بر سازماندهی اعتراضات و اتحاد و همبستگی مردمی است. تاکیدی بر اعتصابات سراسری برای تقویت و تداوم اعتراضات در خیابان است. همه شواهد حاکی از عزم جزم مردم برای نابودی این رژیم و پایان دادن به این توحش و بربریت است.

زنده باد انقلابی انسانی برای جامعه ای انسانی.

میکردند. به چهار راه ولی عصر رسیدم از یکساعت پیش که آنجا بودم تشنج بسیار شدیدتر شده بود. دیگر از پا افتاده بودم سوار یک ماشین مسافر کش شدم به سمت انقلاب. در تمام طول مسیر در دو طرف جوانان در جنگ و گریز با ماموران بودند. کلافگی و عصبیت را میتوانستید در ماموران حکومت مشاهده کنید. جلو درب دانشگاه که رسیدم مشاهده کردم جوانی را مانند یک کیسه گونی روی زمین با خشونت تمام میکشیدند و بی شرف یکی از ماموران با لباس فرم یگان ویژه در همین حال با باطوم محکم به شکم او کوبید و این جوان نگون بخت را کشان کشان به سوی یک ون که جلو درب دانشگاه بود بردند. میدان انقلاب در محاصره کامل ماموران بود. با همان ماشین راهم ادامه دادم به سمت میدان ماشین راهم چهارراه نواب همان وضعیت بود و خودروها کاملا متوقف شده بودند.

زنان شجاعانه اصلا قصد عقب نشینی نداشتند. ماموران سرشان داد میزدند روسری را سرت کن. جواب میگرفتند نمی کنم چی میگی! تهدید میشدند ایشان نیز محکم به راه خود ادامه میدادند. ساعت ۹/۵ شب بود که رسیدیم به ایستگاه مترو سر شادمان. از آنجا برگشتم کرج. بی خبر که در منطقه خودمان درگیری شدید بود.

ساعت ۱۰/۳۰ از ایستگاه مترو در گلشهر کرج آدمم بیرون. جو ملتهب نشان میداد. به خیابان گلشهر خودم را رساندم به یک چهار راه که معروف به چهار راه گلزار است. دیدم دسته هایی از جوانان به سرعت به سمت من می آیند. به چهار راه رسیده و نرسیده بودم که دسته ای نیروهای یگان ویژه هم رسیدند. نظمی به خودشان دادند. من نمی دیدم که انسوی چهار راه یک عده تجمع دارند. من از پشت سر این دسته رد شدم که به طرف محله خودمان بروم یک دفعه از آن سوی چهار راه سنگ باران شروع شد. خیلی شانس آوردم که به سرو کله من نخورد. یک سنگ بزرگ در کنارم به زمین خودر و کمانه کرد از نزدیک پایم رد شد و به کره کره بانکی که در آنجا بود به شدت برخورد کرد. فرار کردم که

حجم زیاد. یکی داد زد دارند ساچمه ای میزنند و همگی مجبور به فرار به سمت طالقانی شدیم. در میان فرار آن دختران به داخل مغازه ای پناه بردند اما من خودم را رساندم به طالقانی. البته در همین حال باز دسته های دیگر جوانان از پسر و دختر آماده درگیر شدن بودند. از شدت گاز اشک آور پناه بردم به خیابان طالقانی. اینجا سکوت بود و همه مغازه ها بسته. کمی نفس چاق کردم رفته سمت خیابان حافظ که برسم کریمخان بعد به سمت میدان ولی عصر بروم. پل حافظ را تمام نکرده بودم که دیدم جمعیت با شتاب از روبرو می آیند. نگاه کردم به ته خیابان به نظر میرسید ماموران پل را بسته اند. هوا تاریک شده بود تشخیص مشکل شده بود. از دختر و پسر جوانی پرسیدم میشود بالا رفت گفتند نه و خود رفتند پایین! به انتهای پل نزدیک شدم ناگهان صدای بوق بلند شد. فکر کردم ماشینها هستند. اما اینها موتور سواران بودند که درگیر مسافركشی و باربری هستند. اینجا ماموران نبودند جمعیت زیادی زیر پل عابر پیاده ای تجمع داشتند و شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدادند. و در بالای پل عابر پیاده چند نفر بنرهای تبلیغاتی حکومت را کندند و در پایین هیاهوکنان به آتش کشیدند. جوانی با شیشه دنبال بنزین میگشت. موتور سواری صدایش زد و اجازه داد از موتور او بنزین بکشد به نظر می آمد میخواست کونکل بسازد. در همین موقع هجوم ماموران از بالای خیابان شروع شد جمعیت پراکنده شدند و دسته ای شان به سمت پایین هجوم آوردند. جوانی که شیشه پر از بنزین داشت به همراه دوستش به سمت پایین فرار کرد و من نیز تصمیم گرفتم برگردم به خیابان انقلاب. به چهار راه کالج که رسیدیم حمله ماموران را مشاهده کردم که با موتور به سمت جمعیت میرفتند و آنها به سمت میدان فردوسی فرار کردند. به سمت چهار راه ولی عصر برگشتم. جنگ و گریز خیابانی کاملا شکل گرفته بود. ماموران حمله میکردند جمعیت به خیابانهای فرعی میزدند و ماموران از رفتن به آنجا پرهیز میکردند. فقط گاز اشک آور شلیک

چهار شنبه ۳۰ شهریور خودم را رساندم تهران. ساعت ۵ و نیم رسیدم به میدان انقلاب. از خیابان اسکندری (سمت غرب میدان انقلاب) که گذشتم جو ملتهب نشان میداد. حجم عظیم نیروهای سرکوبگر هر چه به میدان نزدیکتر میشدم بیشتر میشد. مشخص بود اتفاقاتی افتاده است. به سمت شرق نرسیده به خیابان ۱۲ فروردین درگیریهایی رخ داده بود. دو جوان را دستبند پلاستیکی زده بودند و با خشونت سرهایشان را رو به پایین نگه داشته بودند. دختران درگیر بودند. بسیجیان در اینجا مستقر بودند با موتور و باطوم. یکی شان جلوی من را گرفت و نگذاشت به راهم ادامه دهم. تهدید کرد میزند! رفته داخل خیابان و راهم را به سوی دانشگاه ادامه دادم. در تمام مسیر تا چهار راه ولی عصر نیروهای سرکوبگر مستقر بودند و سر چهارراهها بیشتر بودند. گاز اشک آور در فضا پیچیده بود. هر جا تجمع کوچکی شکل میگرفت حمله میکردند. و به سرعت به گاز اشک آور متوسل میشدند. سر ۱۶ آذر خیابان فخر رازی روبروی سردر دانشگاه و خود محوطه جلو درب ورودی دانشگاه تهران غلغله نیروهای سرکوبگر بود. رسیدم به چهارراه ولی عصر به سمت پایان خیابان ولی عصر، از سمت پایان گاز اشک آور شلیک میکردند. به سمت میدان ولی عصر رفته.

در اینجا اوضاع وخیم تر بود. در پیاده رو جوانان در تردد و خشمگین و در خیابان نیروهای سرکوبگر مستقر. نرسیده به خیابان طالقانی مرد جوانی را یک دسته از این مزدوران دستگیر کرده بودند و او زیر ضرب و شتم ماموران مقاومت میکرد. زن جوانی به کمکش شتافت. درگیری بالا گرفته بود. در ۱۰ قدمی ماجرا بودم دودل بودم درگیر شوم یا نه. همزمان ۷ و هشت دختر جوان صدایشان بلند شد که نزنید. آنها نیز حالت حمله گرفتند. در این حین یک لباس شخصی آمد میان ما و گفت: برید این پروژۀ از کشته پشته ساخته! من و این دختران صدایمان بلند و همینکه راه افتادیم وسطه معرکه برویم در میان ما شروع کردند به شلیک گاز اشک آور در